

موش و گربه

عبید زاکانی با کاریکاتورهای پرویز شاپور





سازمان اسناد و کتابخانه ملی



پرویز خاوری
کار - مژده اسفندیار

کتاب نمونه • سی و هفت

موش و گربه

عیید زاکانی

۳	۶۶
۶۱	۶۶

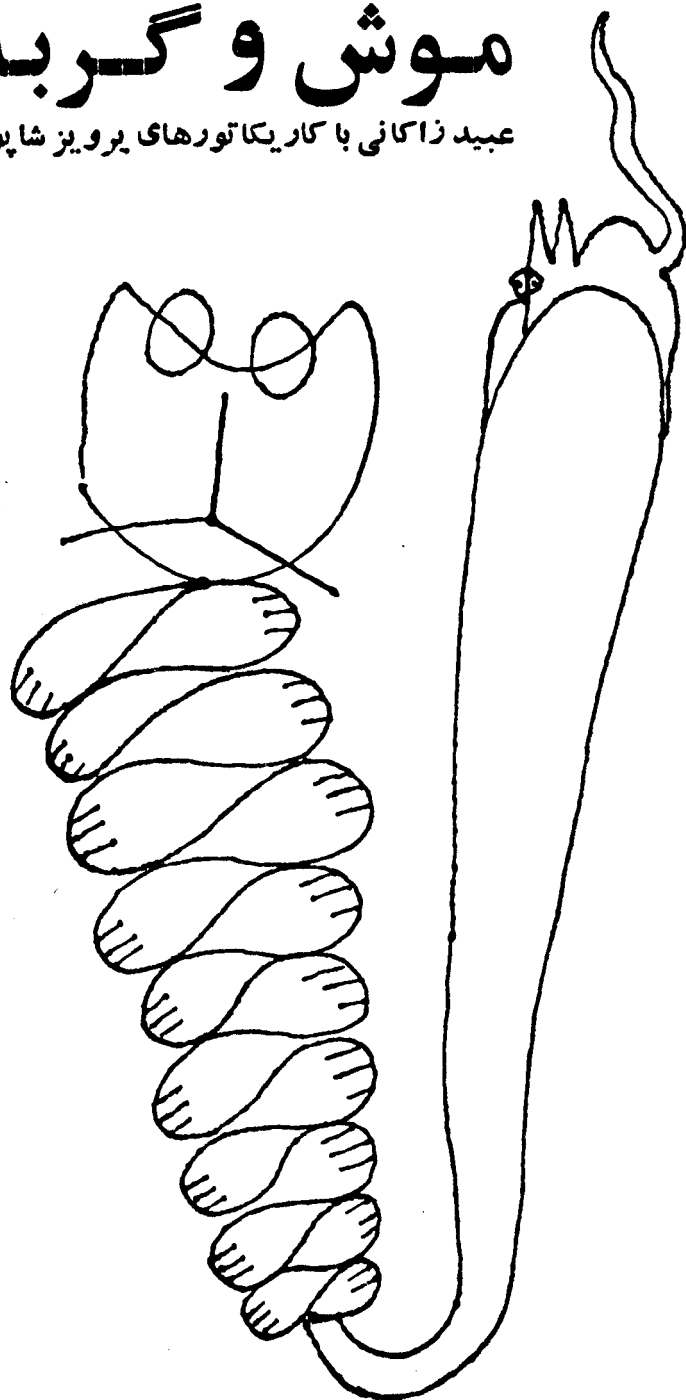
۶۸۷۱۷

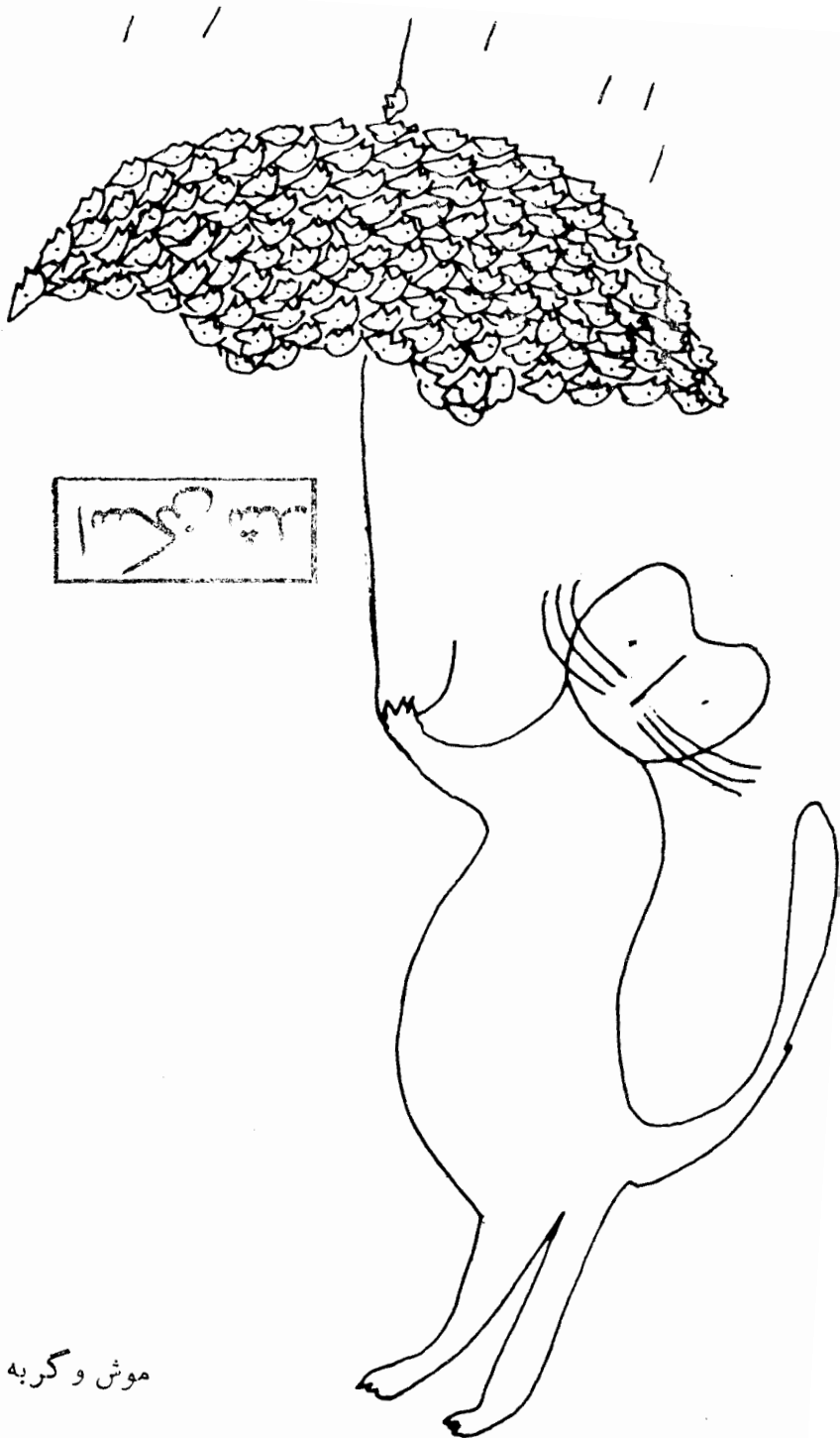


کتابخانہ پنجشنبہ

موش و گربه

عبید زاکانی با کاریکاتورهای پرویز شاپور



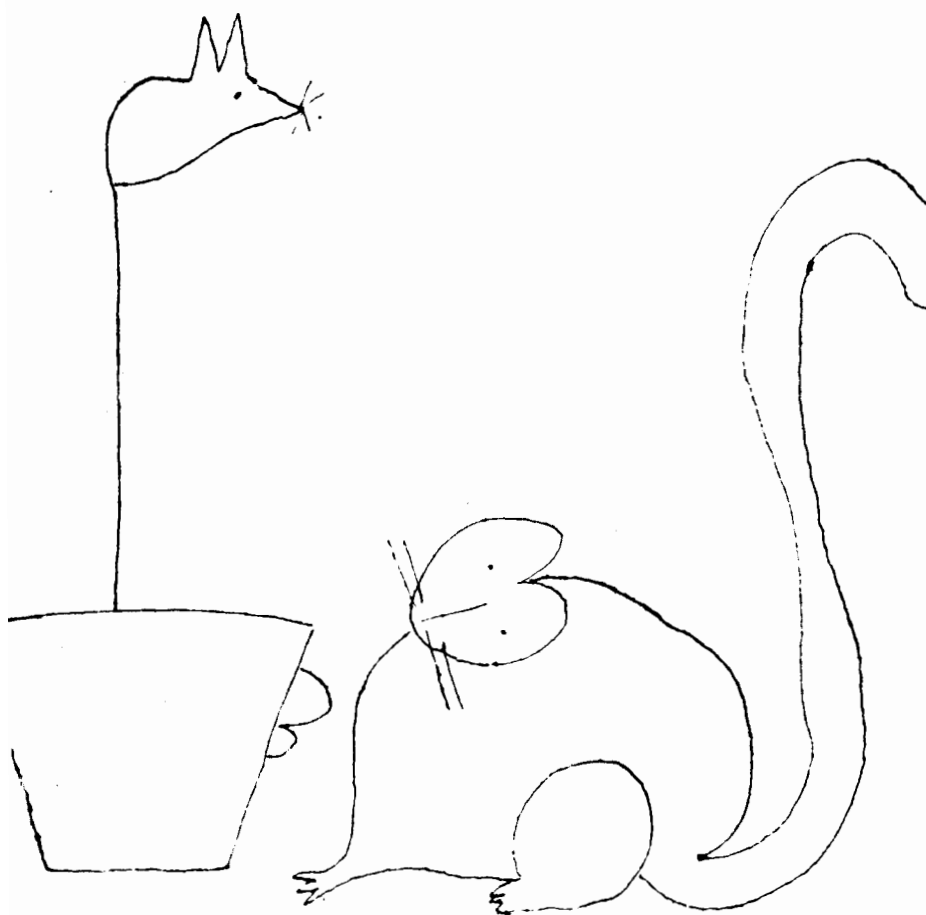


موش و گربه



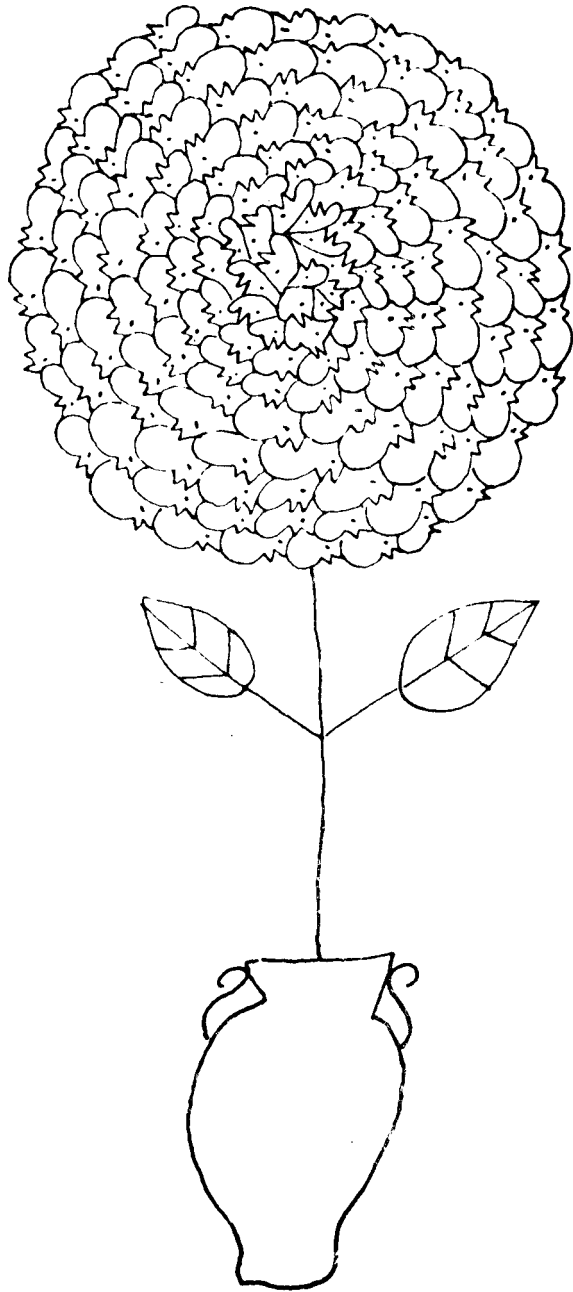
موش و گربه

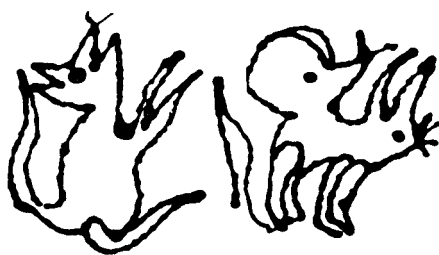
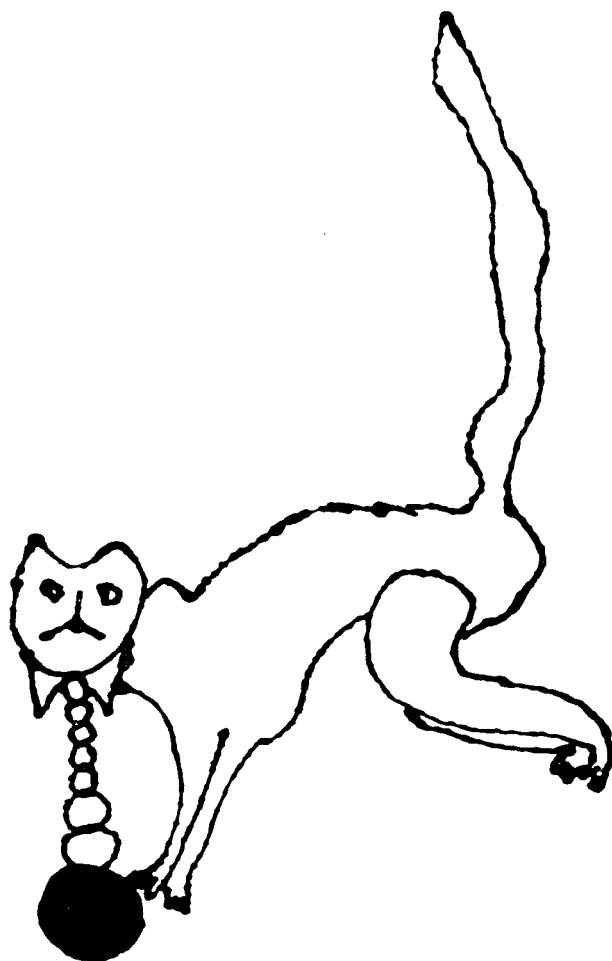
عبیدزاکانی با کاریکاتورهای پرویز شاپور





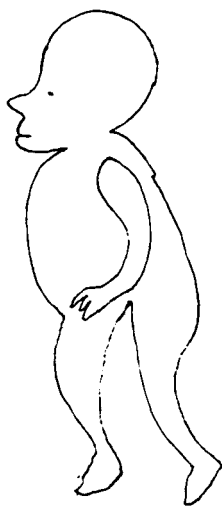
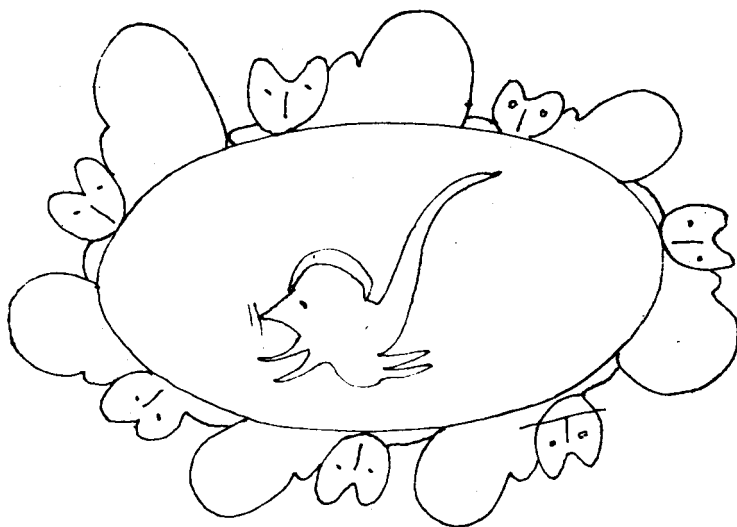
موش و گربه عبیدزاکانی با کاریکاتورهای پرویز شاپور
چاپ اول تابستان ۱۳۵۲ در چاپخانه زهره
ناشر «کتاب نمونه»: تهران، ایران
خیابان شاهرضا، رویروی دانشگاه، ابتدای خیابان دانشگاه
حق چاپ برای «کتاب نمونه» محفوظ است.





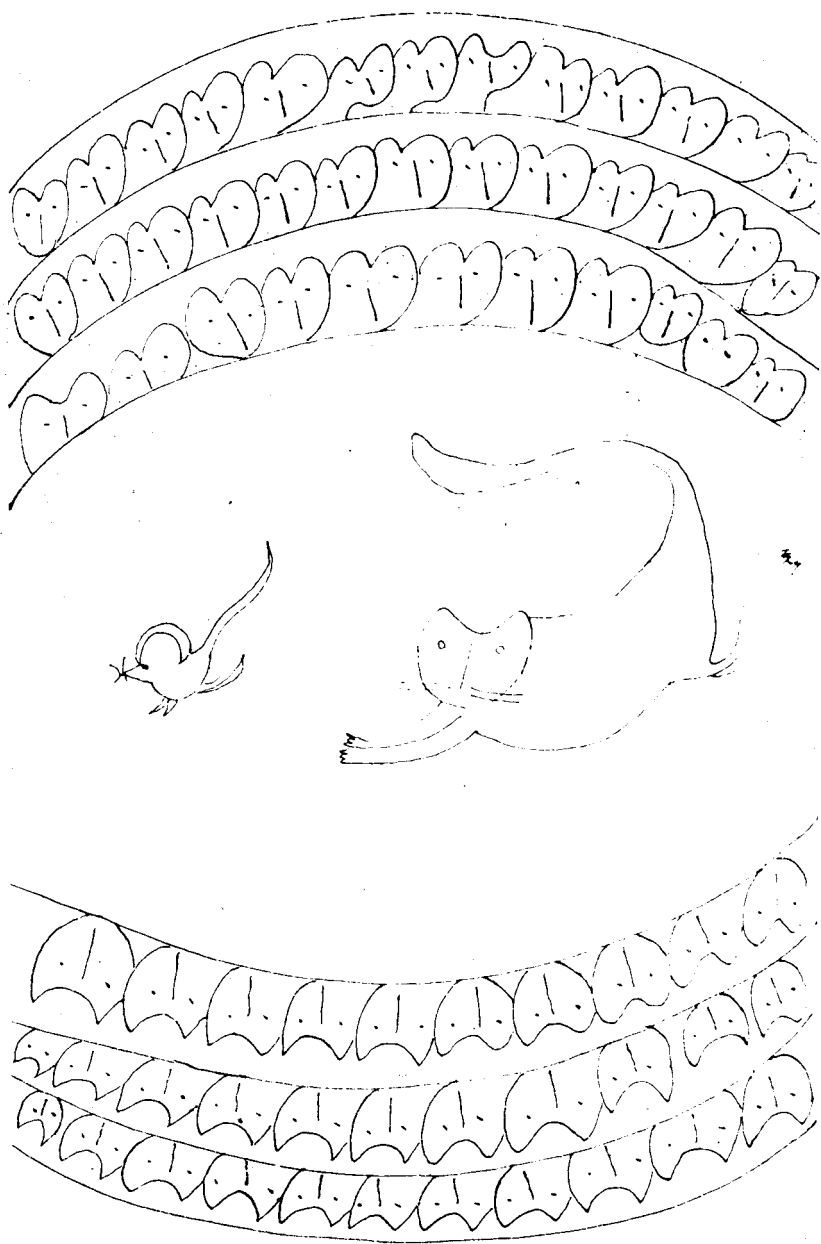
بیا بشنو حدیث گربه و موش
که در معنای آن حیران بمانی

اگر داری تو عقل و دانش و هوش
بخوانم از برای داستان

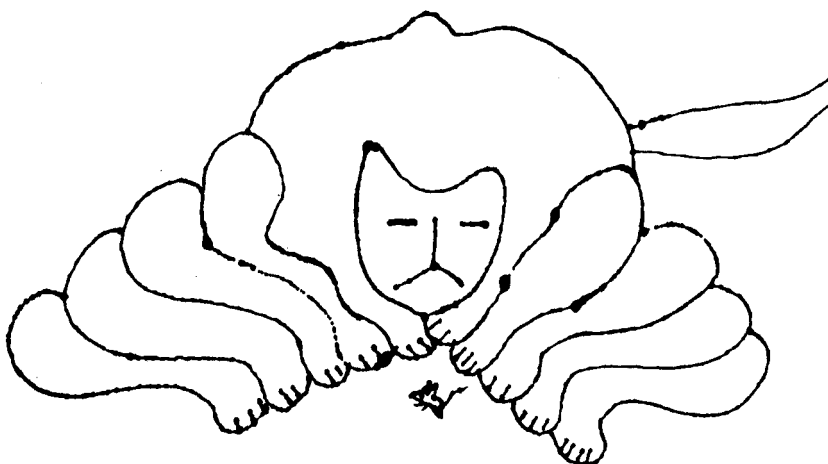


قصهٔ موش و گربه برخوانا
گوش کن همچو در غلطانا

ای خردمند عاقل و دانا
قصهٔ موش و گربهٔ منظوم



از فضای فلك یکی گریه بود چون ازدها بکرمانا



شکمش طبیل و سینه‌اش چوسپر شیردم و پلنگ چنگانا

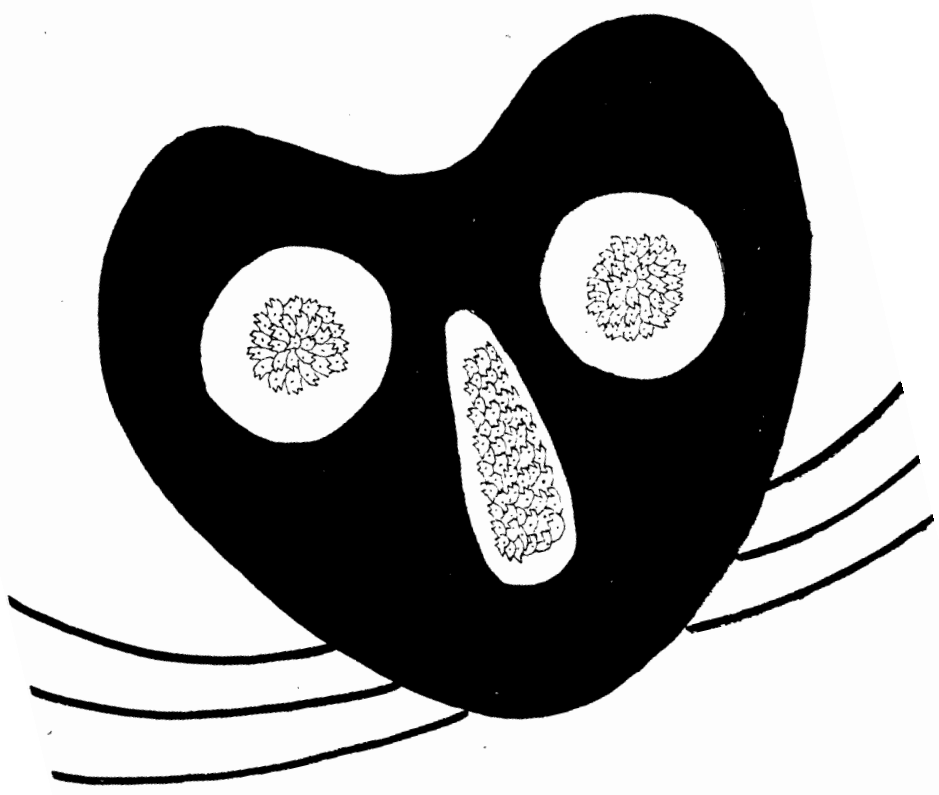


از غریوش بوقت غریدن شیر درنده شد هراسانا

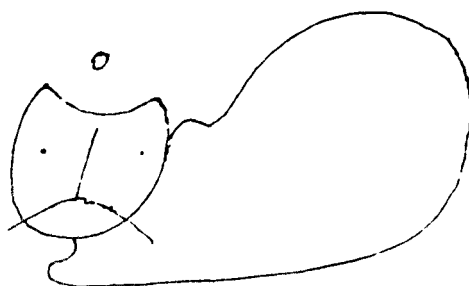
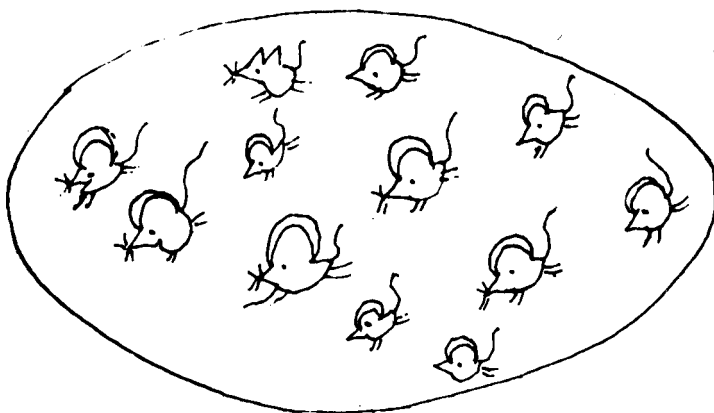


سر هرسفره چون نهادی پای شیر از وی شدی گریزانا

19

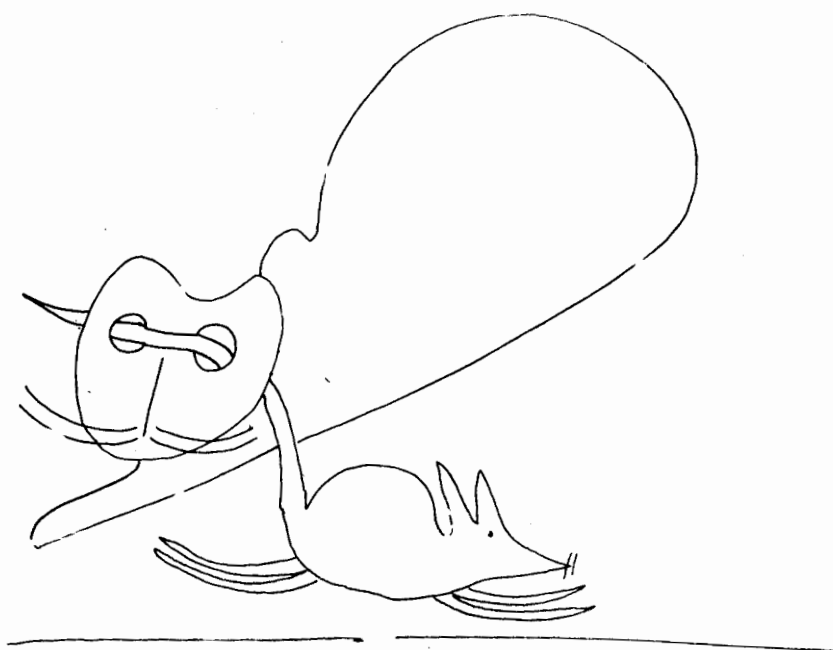


روزی اندر شرابخانه شدی از برای شکار موشان



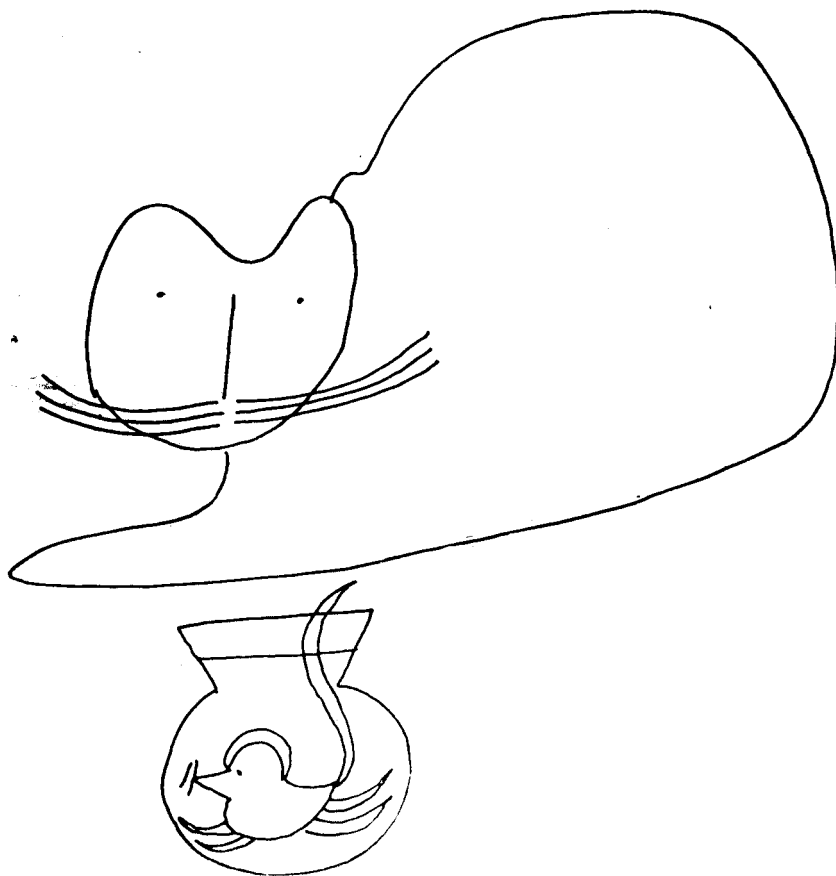
همچو دزدی که در بیابانا

در پس خم می نمود کمین

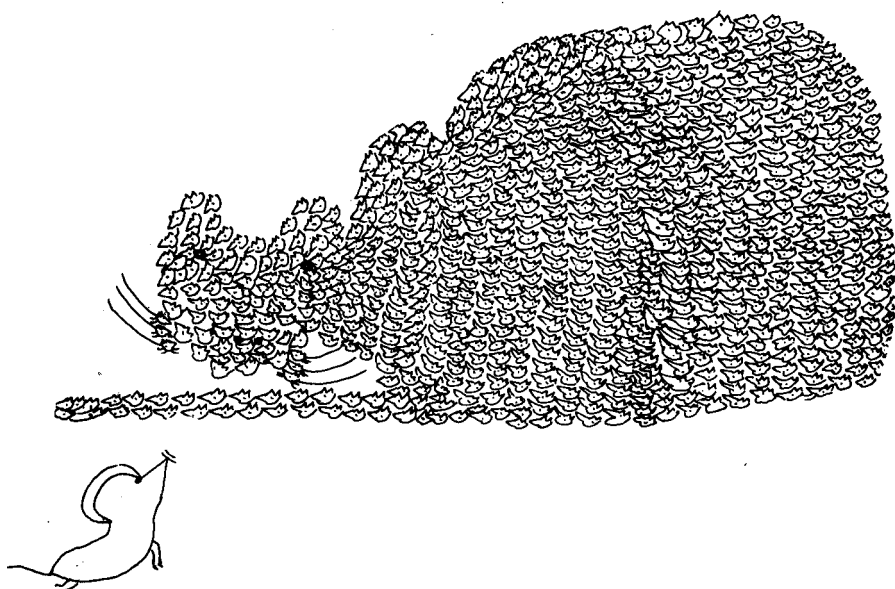


ناگهان موشکی ز دیواری جست برخم می خروشان

٢٥

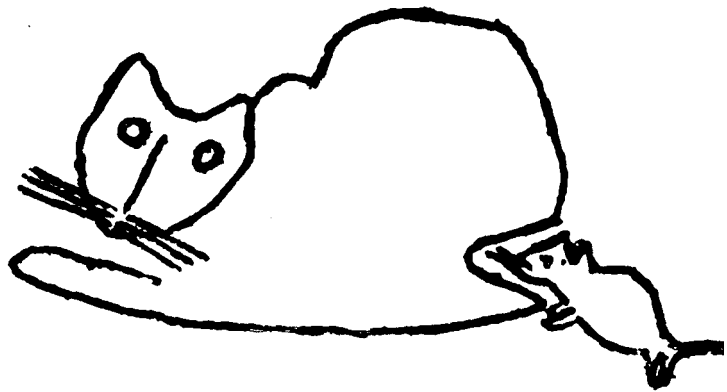


سر بخم بر نهاد و می نوشید مست نشد همچو شیر غرانا

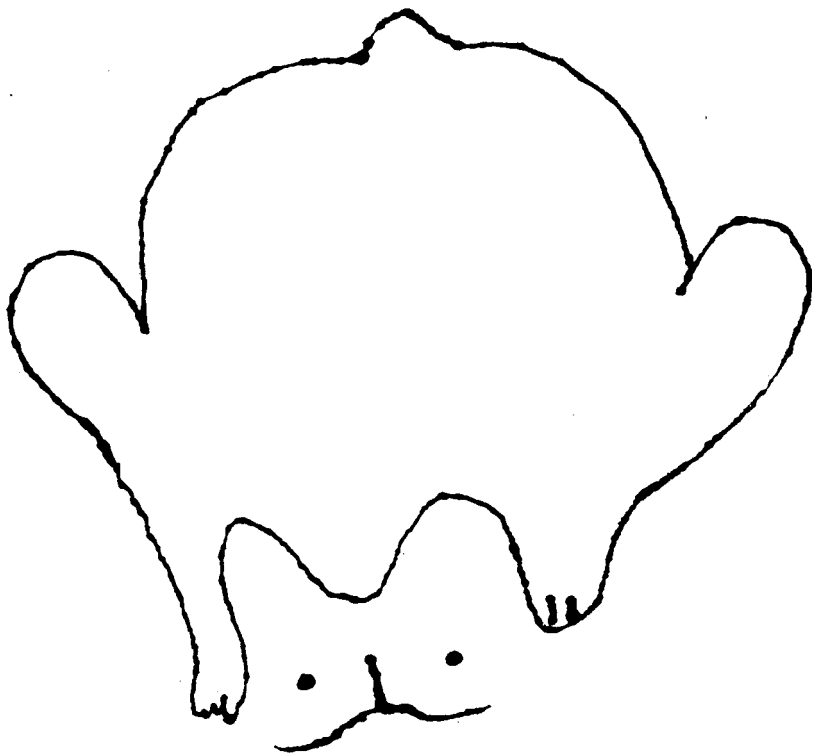


پوستش پر کنم ز کاهانا
که شود رو برو بمیدانا

گفت کو کربه تاسرش بکنم
کربه درپیش من چوسک باشد



کربه این را شنید و دم نزدی چنگ و دندان زدی بسوهانا

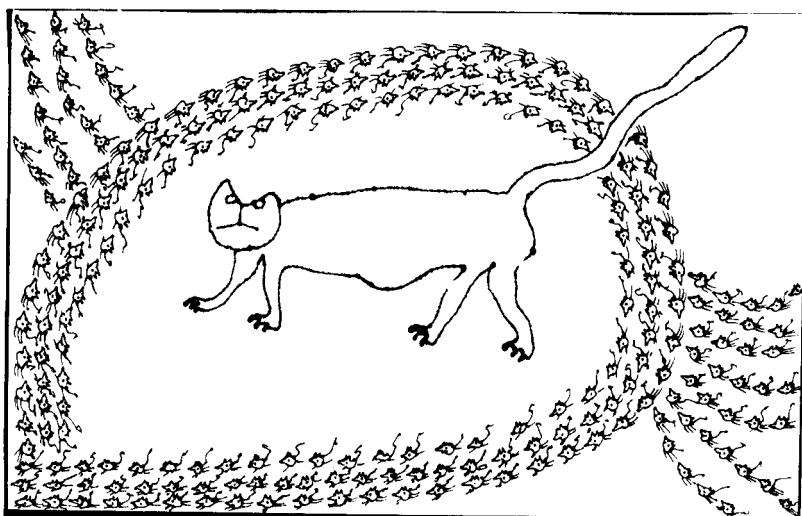


نا گه‌هان جست و موش را بگرفت
 موش گفتا که من غلام توام
 گربه گفتا دروغ کمتر گوی
 میشنیدم هر آنچه میگفتی

چون پلنگی شکار کوهانا
 عفو کن از من این گناها
 نخورم من فریب و مکرانا
 آروادین مسلمانا

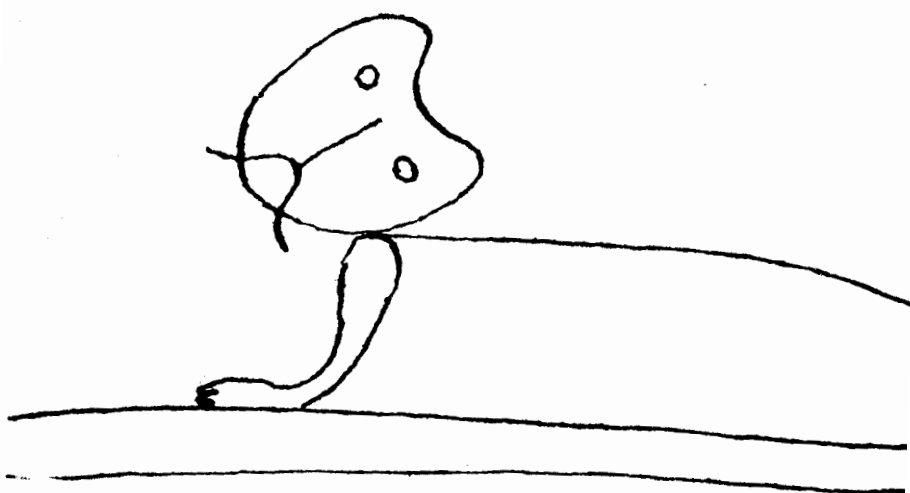


گربه آنموش را بکشت و بخورد سوی مسجد شدی خرامانا



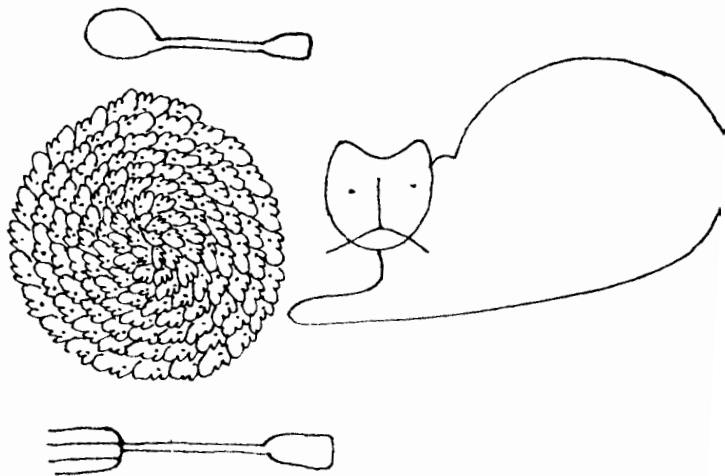
ورد میخواند همچو ملان

دست و رورابشست و مسح کشید



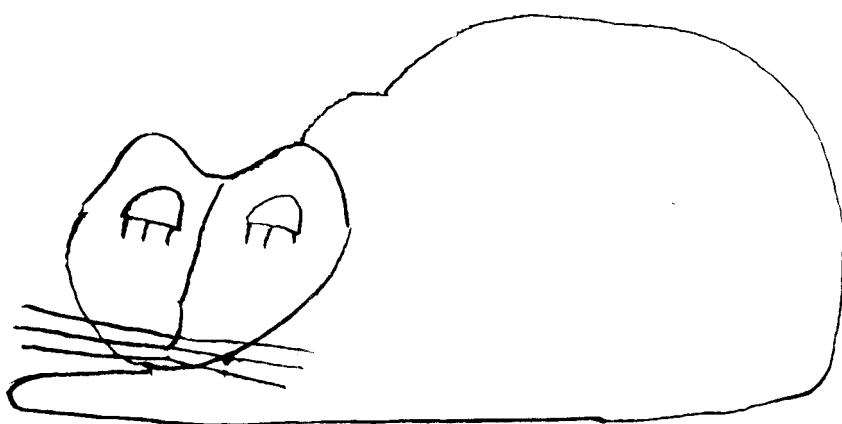
ندرم موش را بدن‌دانا
من تصدق دهم دو من نانا

بارالها که توبه کردم من
بهر این خون ناحق ای خلاق

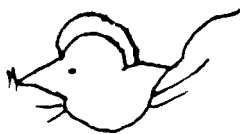
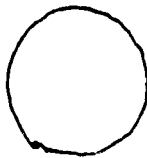
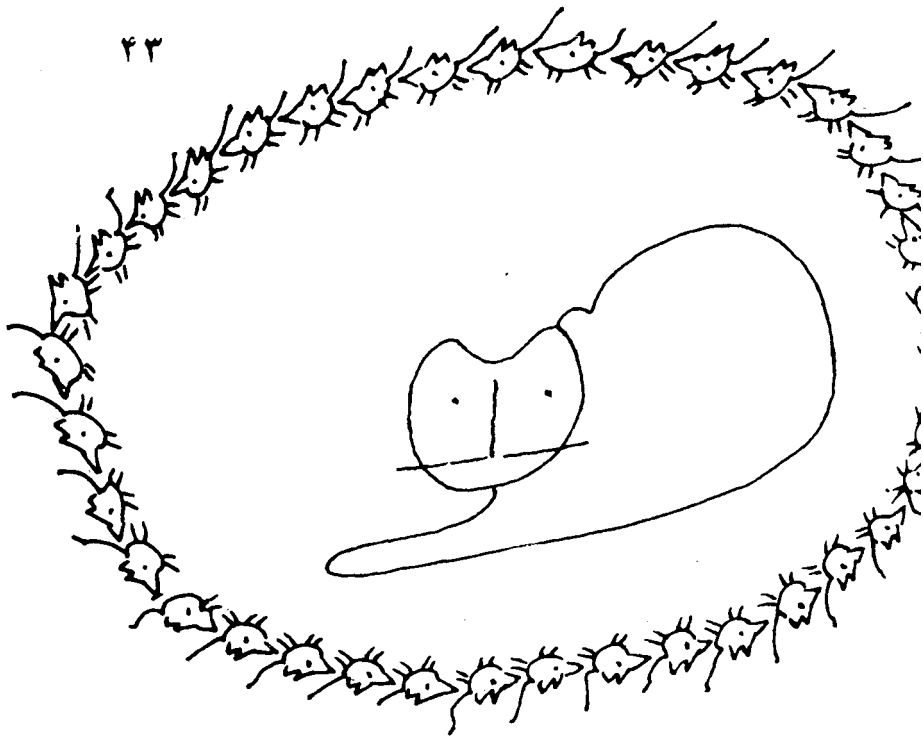


آنقدر لابه کرده و زاری کرد تا بحدی که گشت گریانا

۴۱



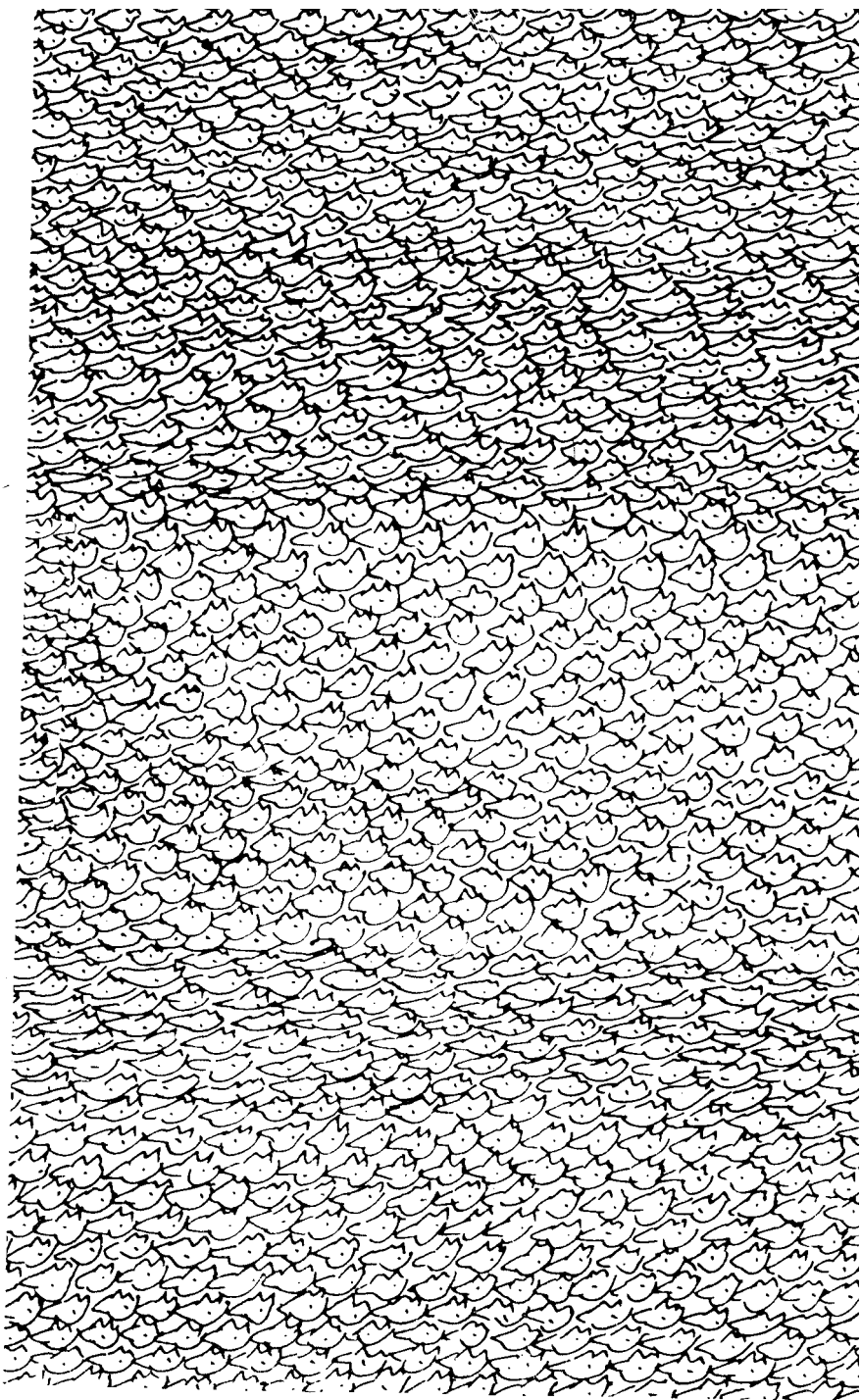
موشکی بود در پس منبر زود برد این خبر بموشانا



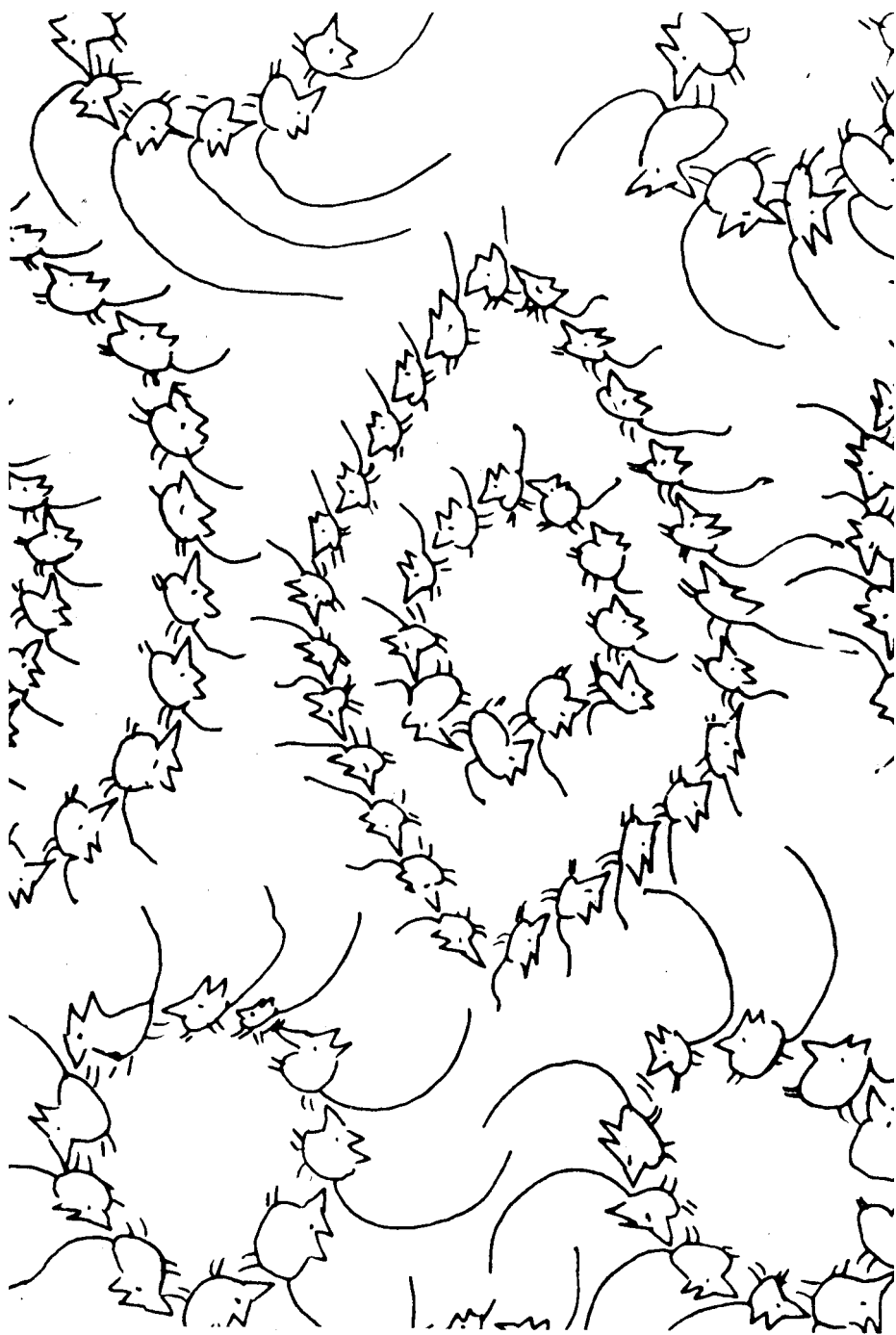


زاهد و عابد و مسلمانان
در نماز و نیاز و افغانا

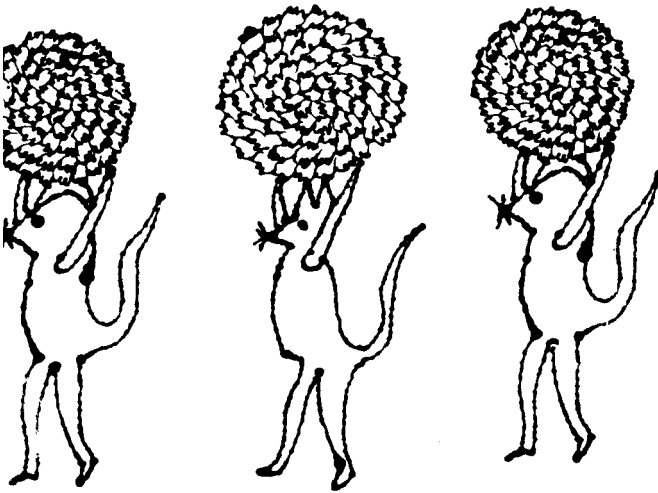
مژدگانى كه گريه تائب شد
بود در مسجد آن ستوده خصال

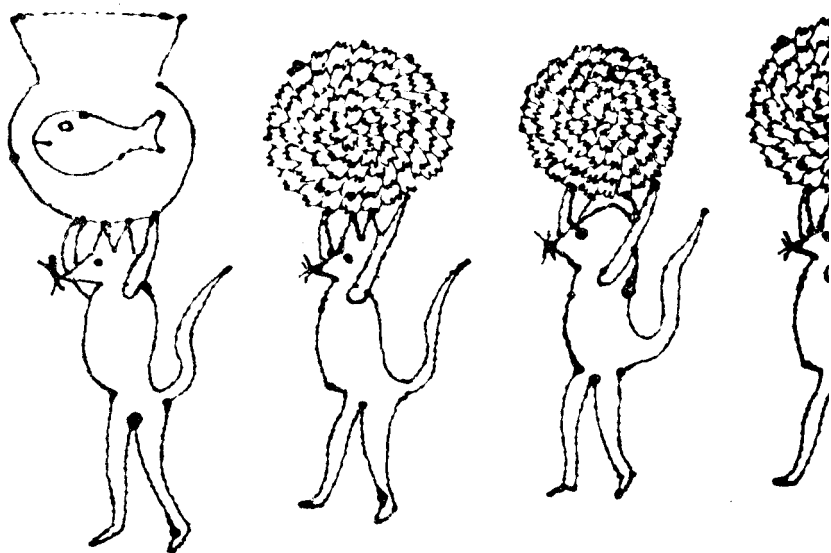


این خبر چون رسید بر موشان همه گشتند شاد و خندان



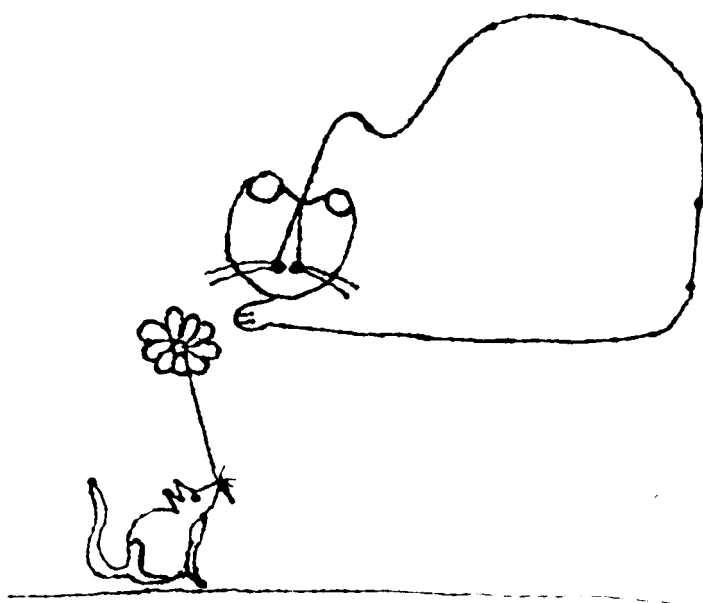
هر یکی کدخدا و دهقانان	هفت موش گزیده برجستند
هر یکی تحفه های الوانا	بر گرفتند بهر گربه ز مهر
وان دگر بره های بریانان	آن یکی شیشه شراب بکف
وان دگر يك طبق زخرمانان	آن یکی طشتکی پراز کشمش
واندگر ماست باکره نانان	آن یکی ظرفی از پنیر بدست
افشرد آب لیمو عمانان	آن یکی خوانچه پلو بر سر





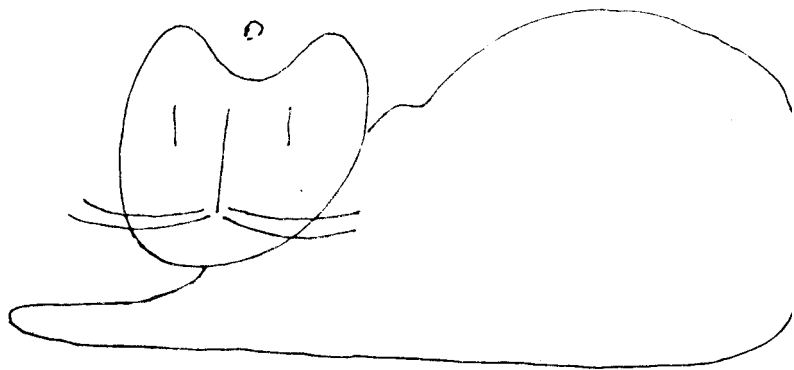
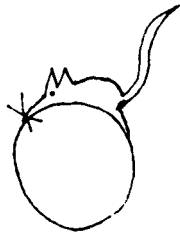
باسلام و درود و احسانا
کای فدای رخت همه جانا
کرده ایم ما قبول فرمانا

نزد گریه شدند آن موشان
عرض کردند با هزار ادب
لایق خدمت تو پیشکشی



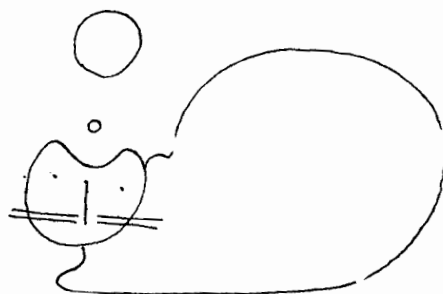
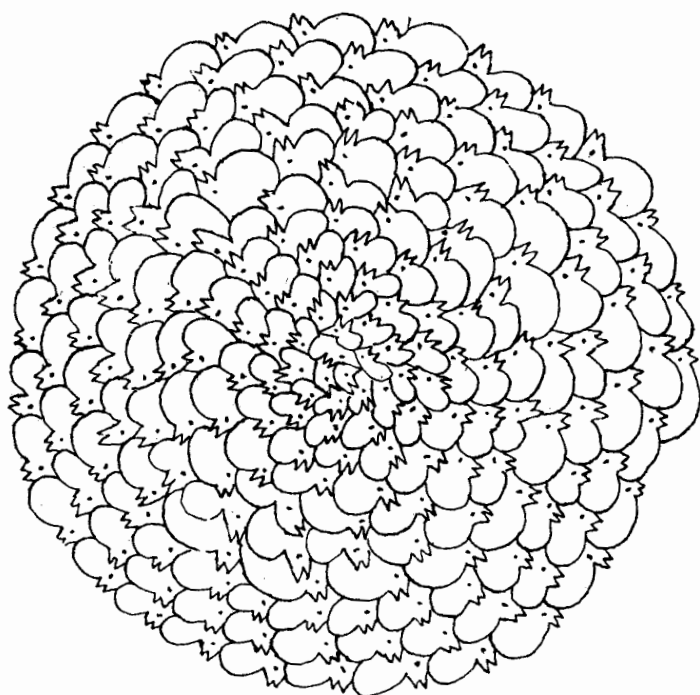
گر به چون موشکان بدید بخواند رزقکم فی السماء حقانا

or



رزقم امروز شد فراوانا
از برای رضای رحمانا
روزیش میشود فراوانا

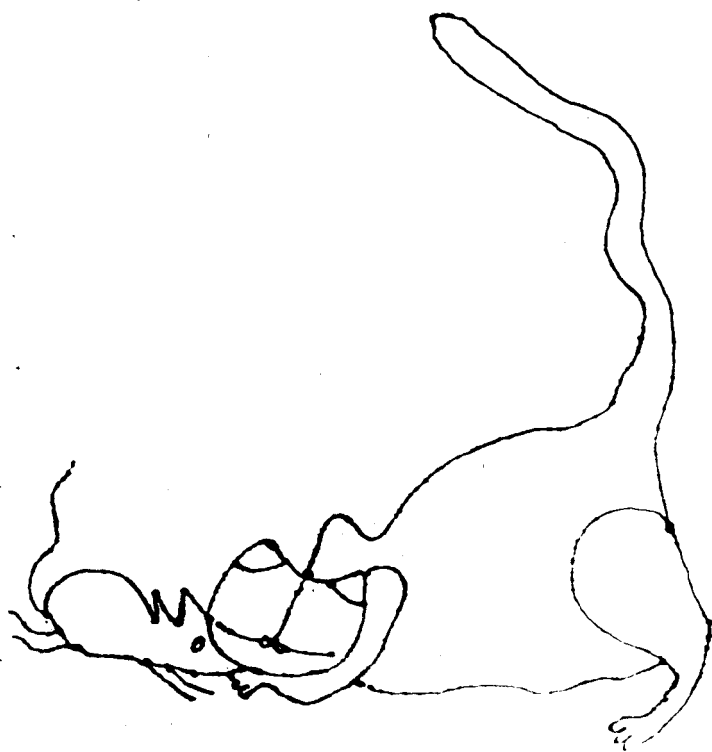
من گرسنه بسی بسر بردم
روزه بودم بروز های دگر
هر که کار خدا کند بیقین



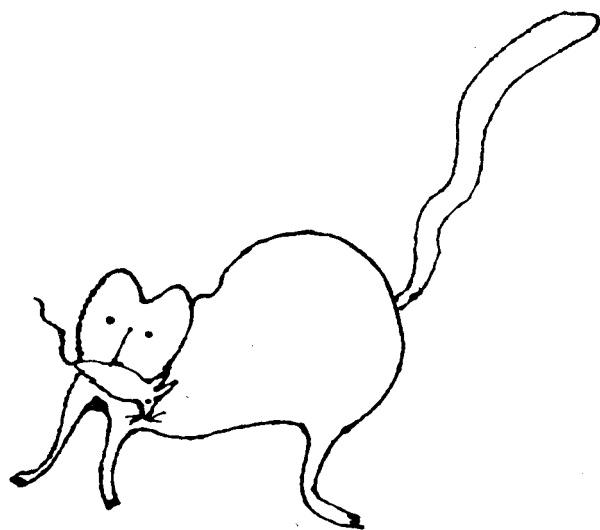
قدمی چند ای رفیقانا
 نشان همچو بید لرزانا

بعد از آن گفت پیش فرمائید
 موشکان جمله پیش میرفتند

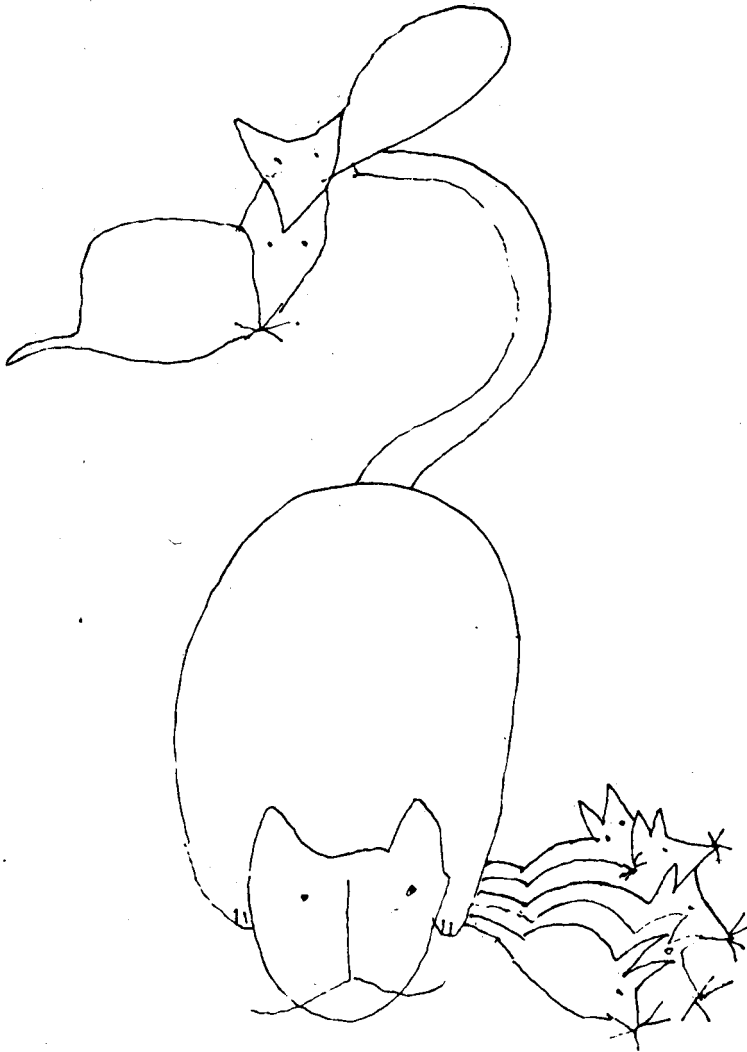
dy



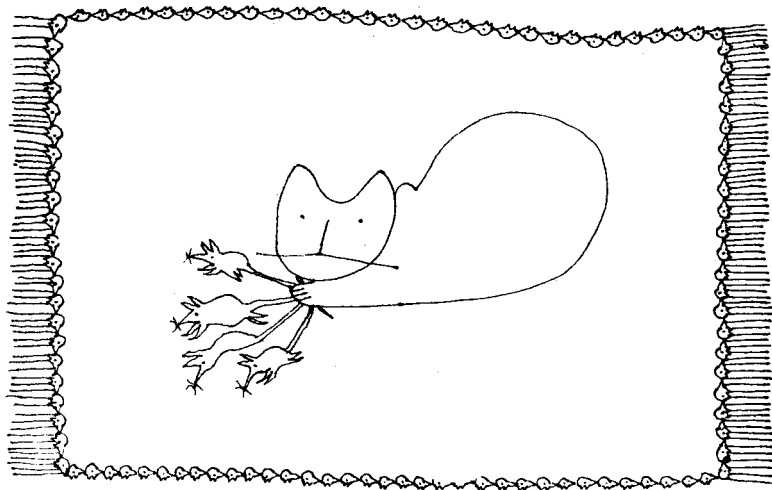
ناکھان گریه جست برموشان چون مبارز بروز میدانا



پنج موش گزیده را بگیرفت هریکی کدخدا و ایلخانا



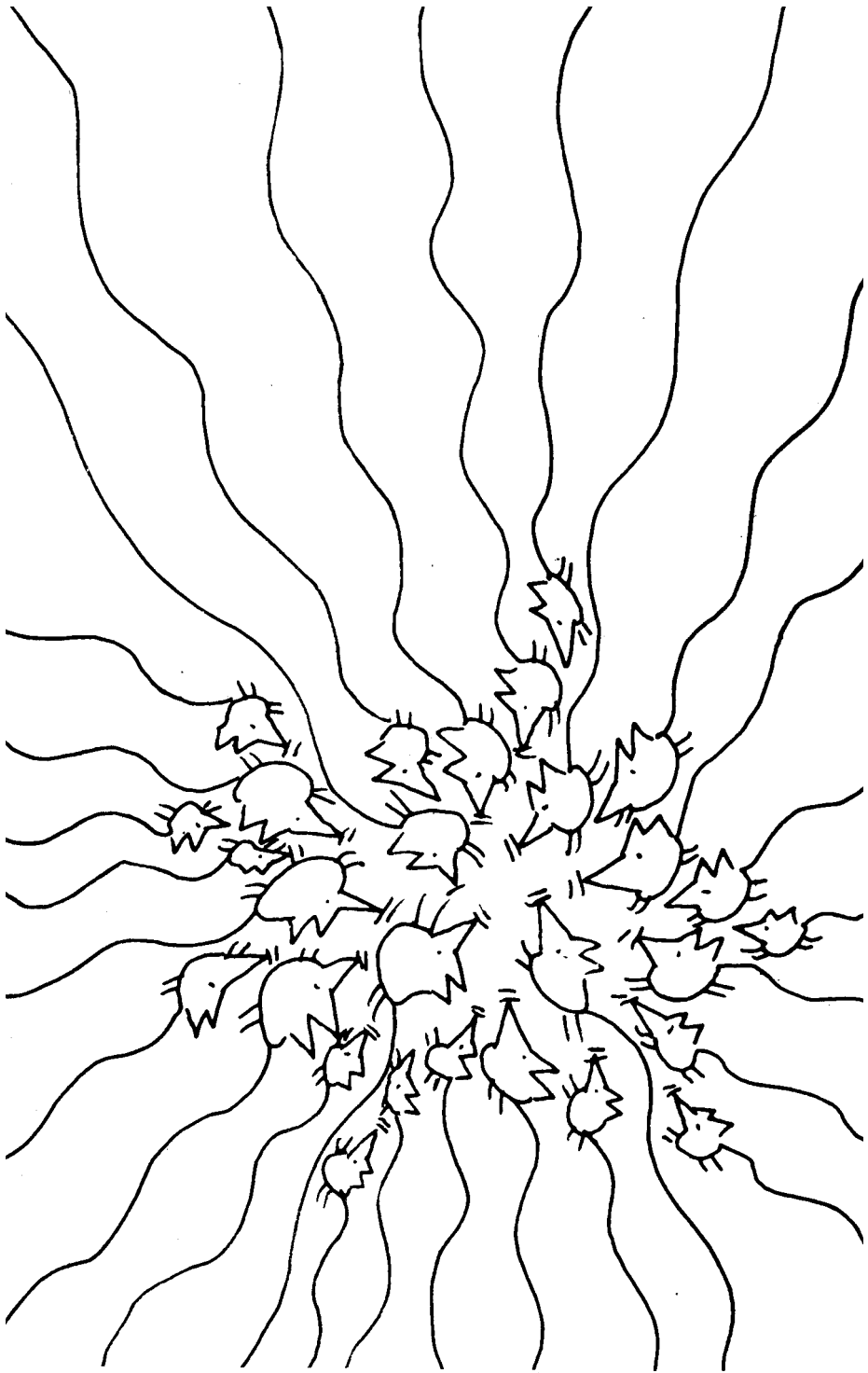
دوبدين چنگ و دودبدان چنگال يك بدن دان چو شير غرانا





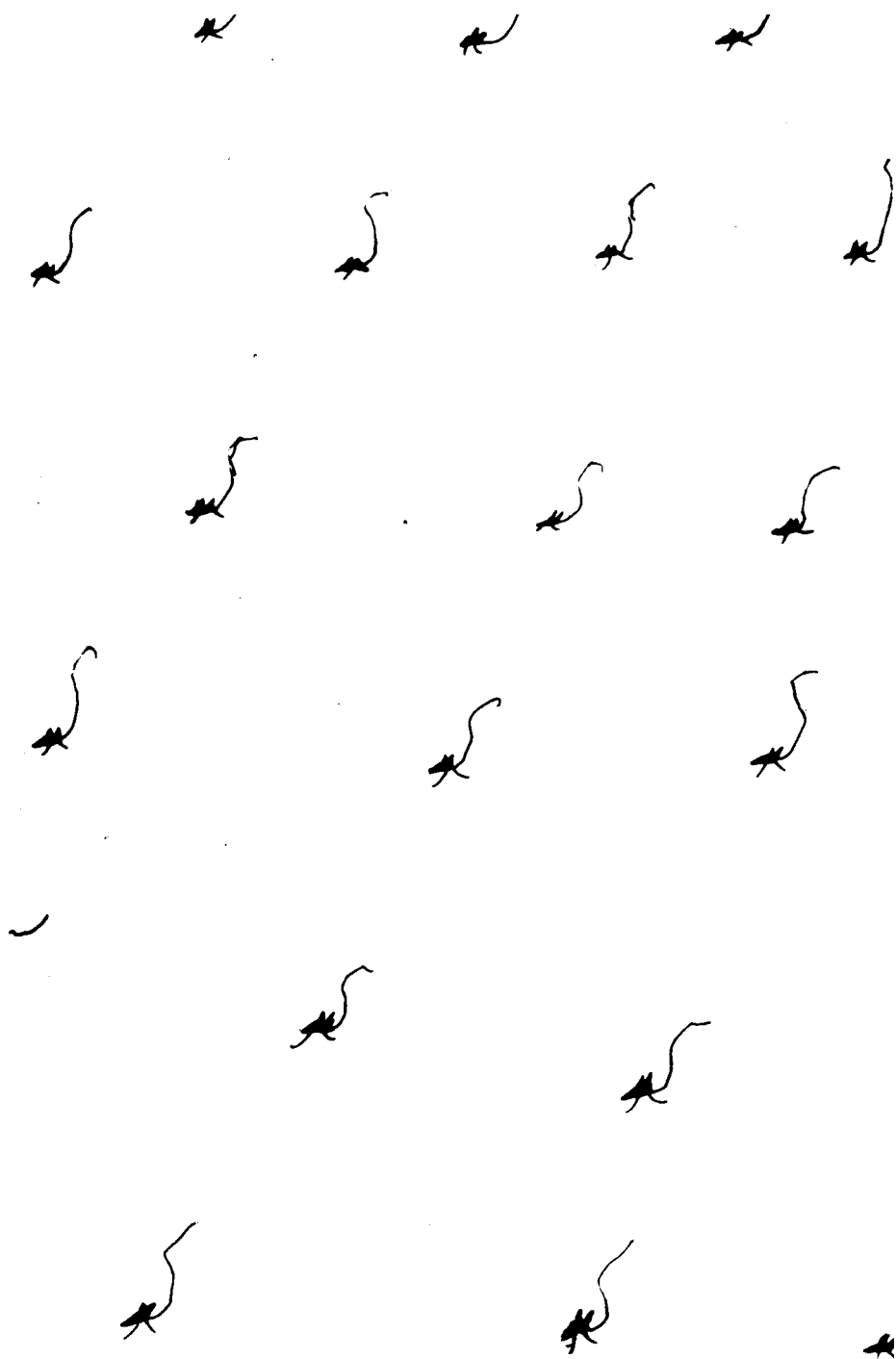
زود بردند خبر بموشان
خاکتان بر سر ای جوانان
کربه با چنگها و دندان

آندوموش دگر که جان بردند
که چه بنشسته‌اید ای موشان
پنج موش وئیس را بدرید



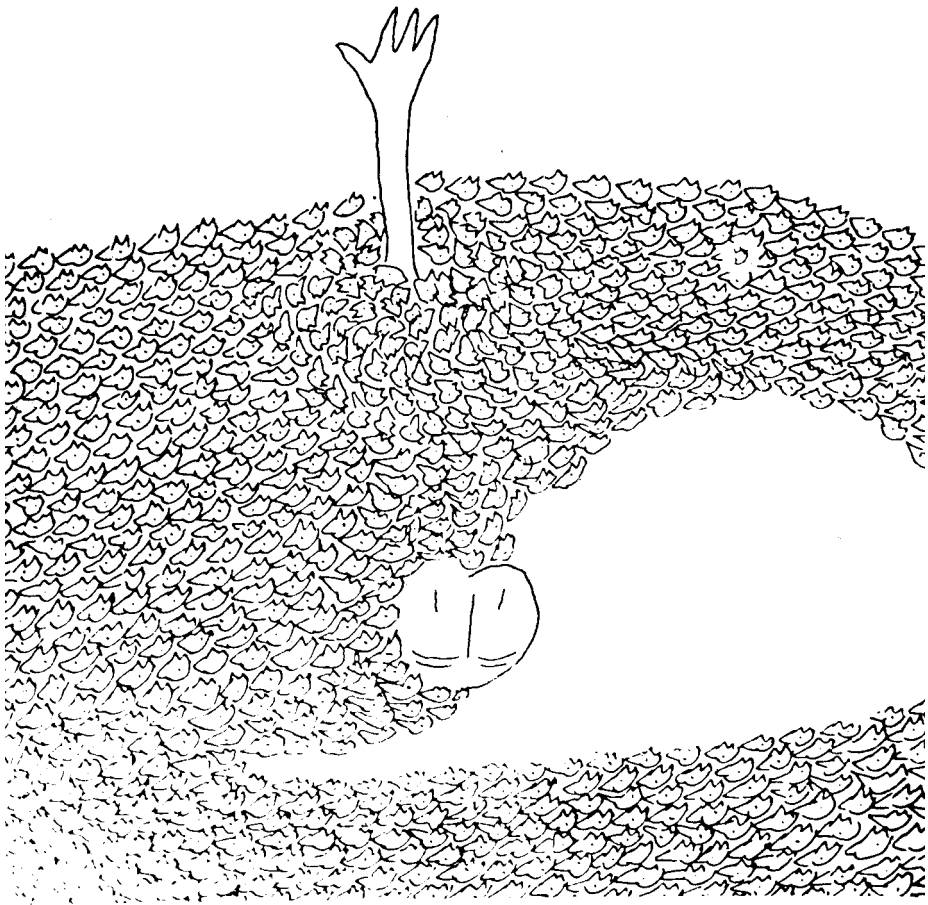
شد لباس همه سیاهان
ای دریغا رئیس موشان

موشکان را از این مصیبت و غم
خاک بر سر کنان همیگفتند



می‌رویم پای تخت سلطانا
از ستم‌های خیل گربانا

بعد از آن متفق شدند که ما
تابشه‌عرض حال خویش کنیم



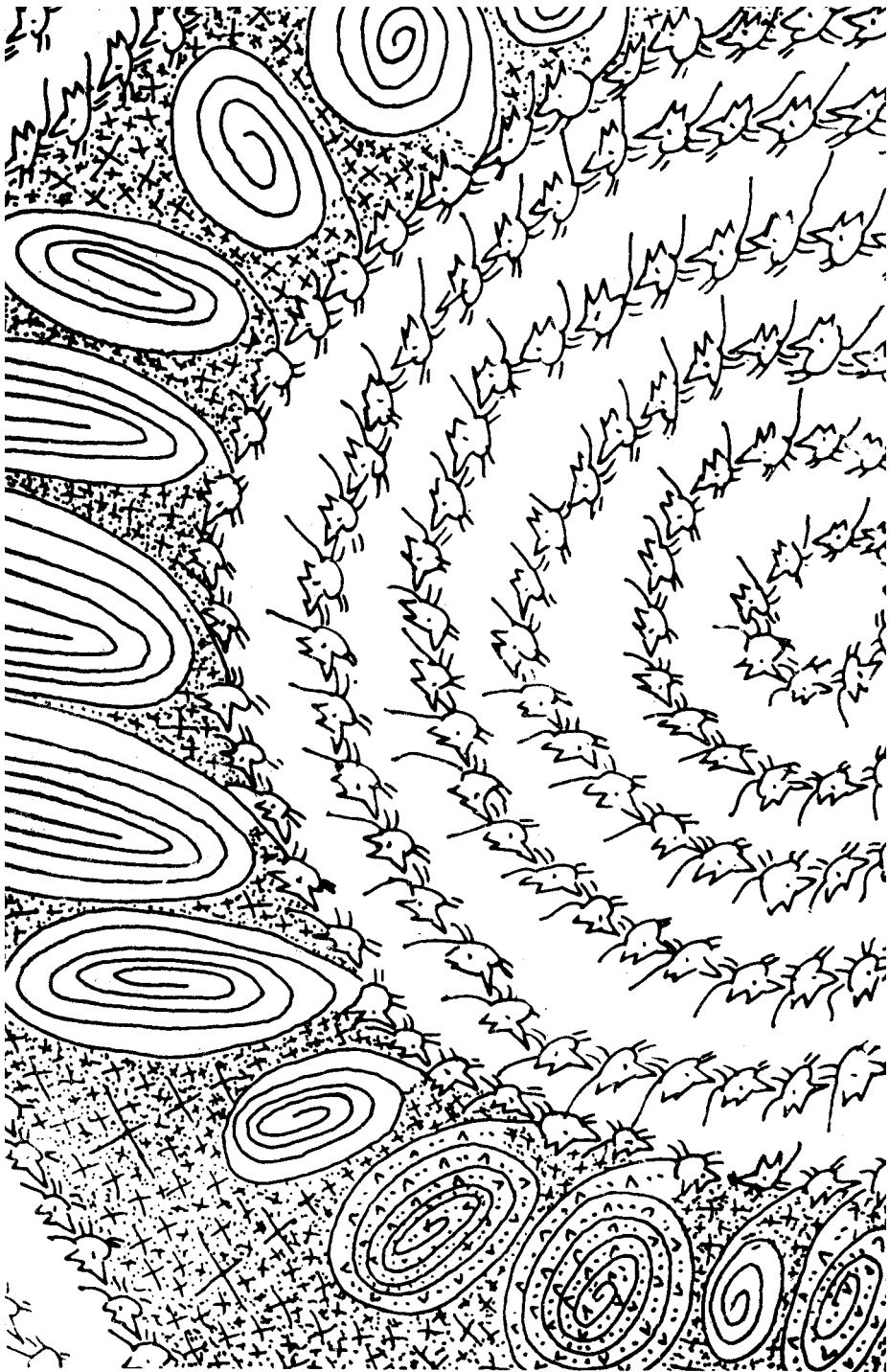


شاه موشان نشسته بود بتخت دید از دور خیل موشانا



کای تو شاهنشهی بدوران
ای شهنشہ اولوم بقربانا
حال حرصش شدہ فراوانا
چون شدہ تائب و مسلمانا

همہ یکبار کردنش تعظیم
گربہ کردہ است ظلم برماہا
سالی یکدانہ میگرفت از ما
این زمان پنج پنج میگیرد







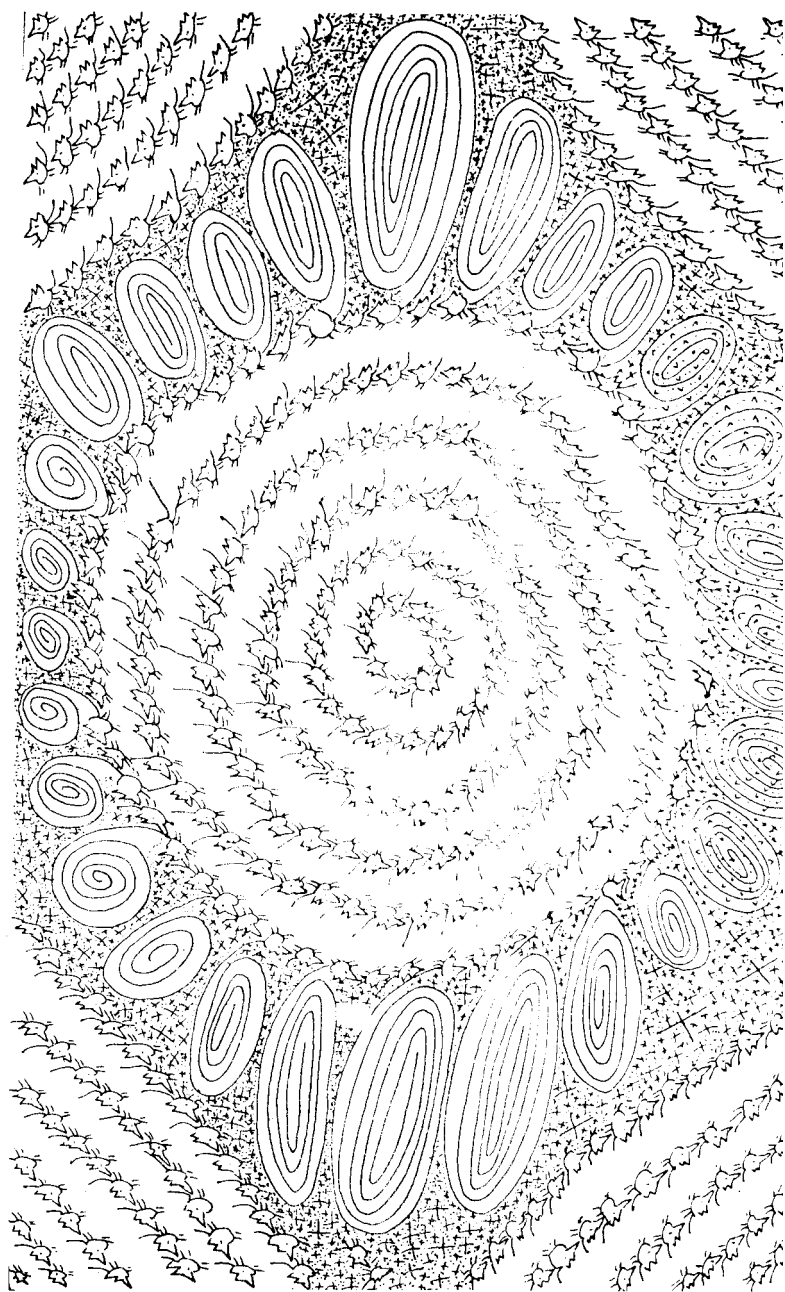
درد دل چون بشاه خود گفتند
من تلافی بگربه خواهم کرد

شاه فرمود کای عزیزانا
که شود داستان بدورانانا

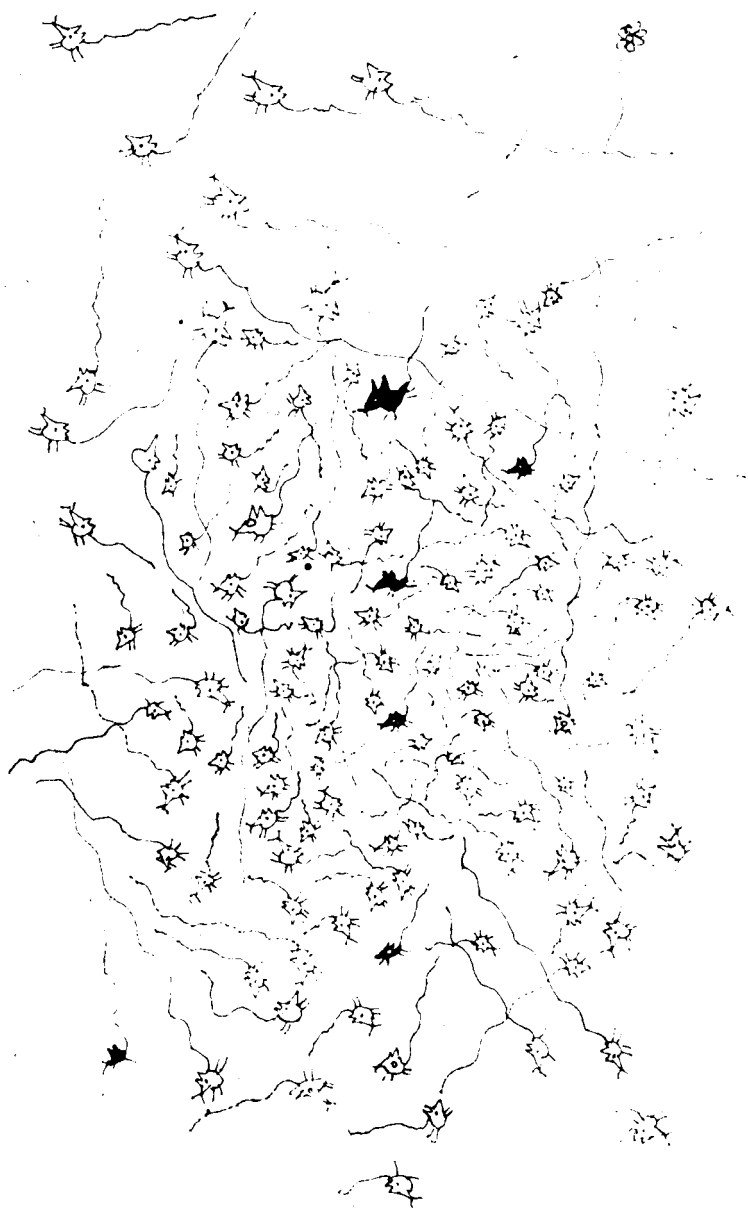


سیصد و سی هزار موشانا

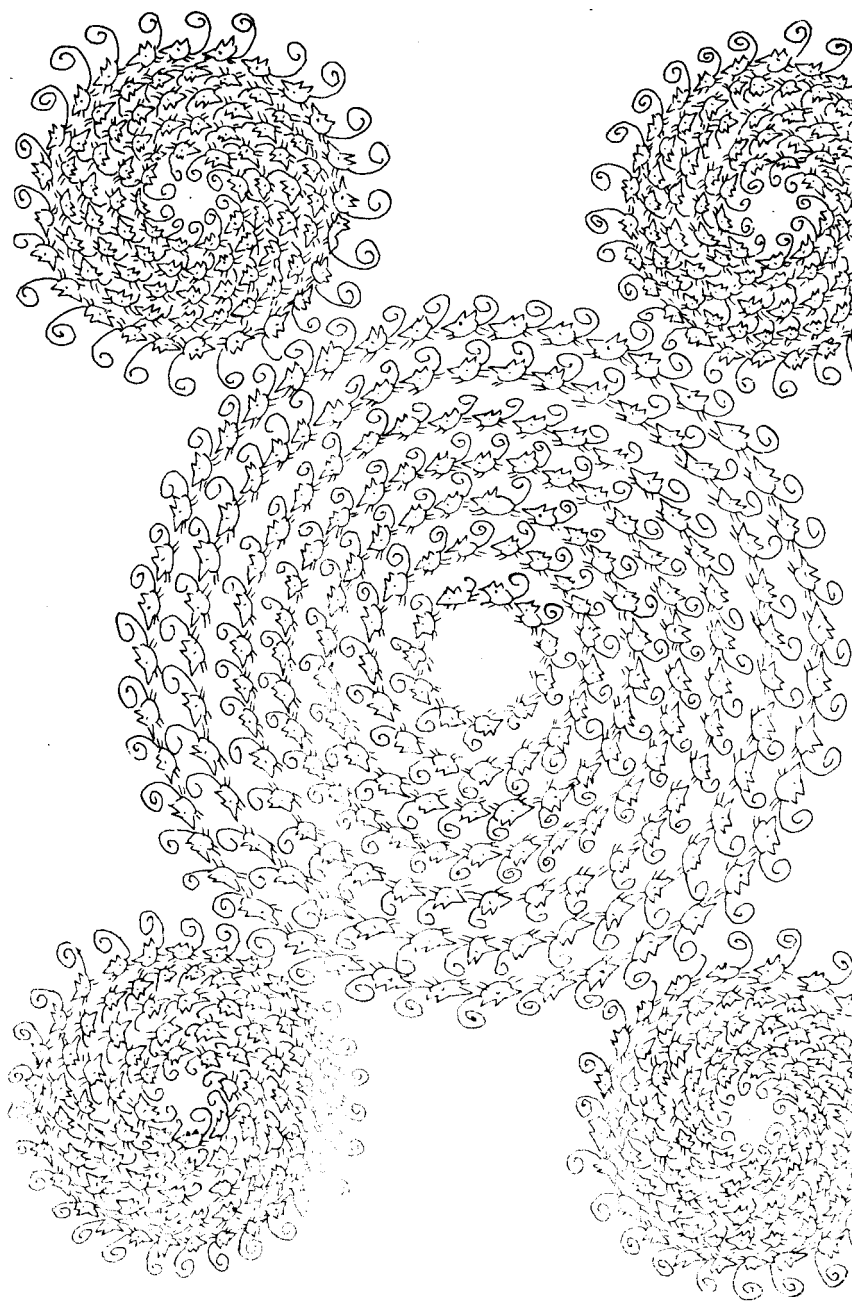
بعد یک هفته لشکری آراست



همه با نیزه ها و تیر و کمان همه با سیف های برانا

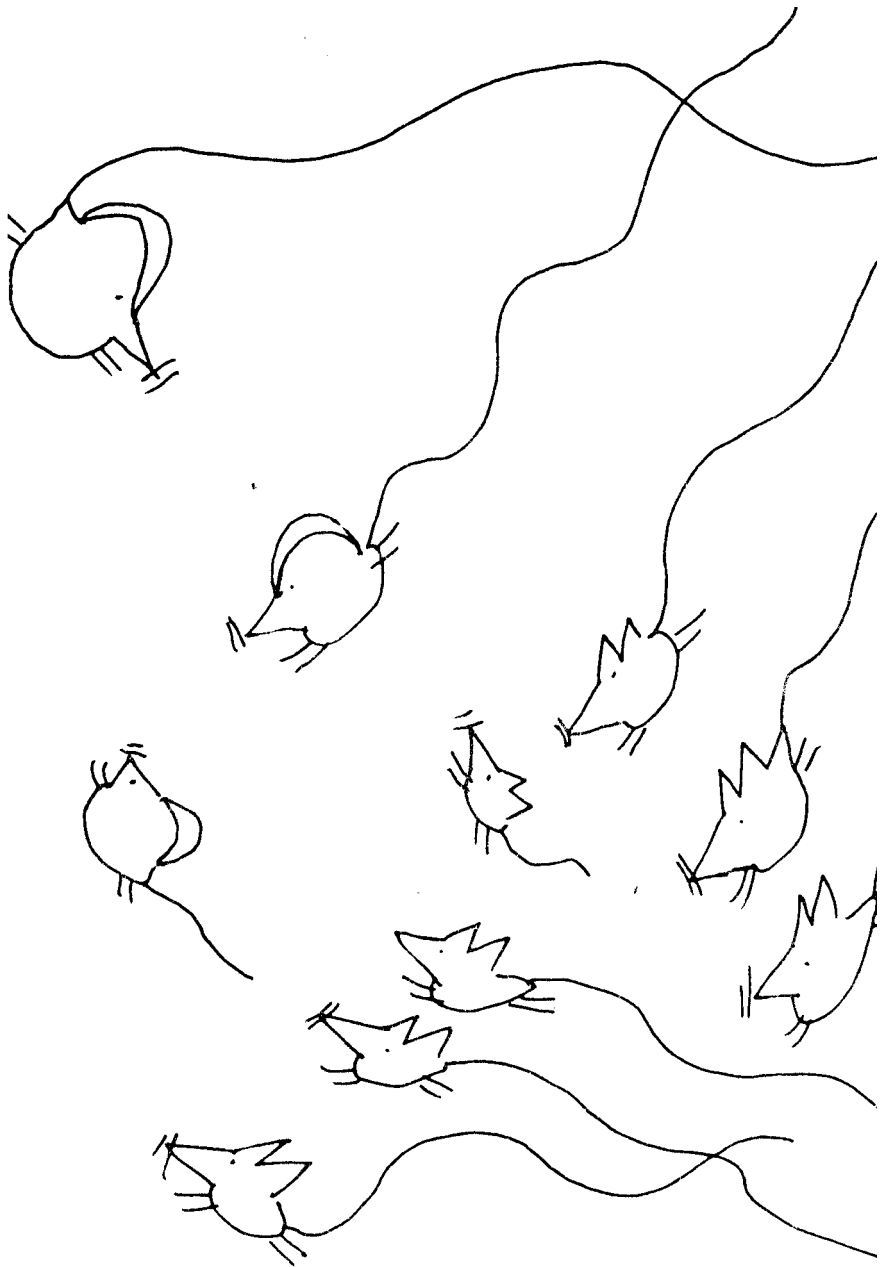


فوج های پیاده از یکسو
چونکه جمع آوری لشکر شد
تیغ ها در میانه جولانا
از خراسان و رشت و گیلانا



هوشمند و دلیر و فطانا
نزد گریه به شهر کرمانا
یا که آماده باش جنگانا

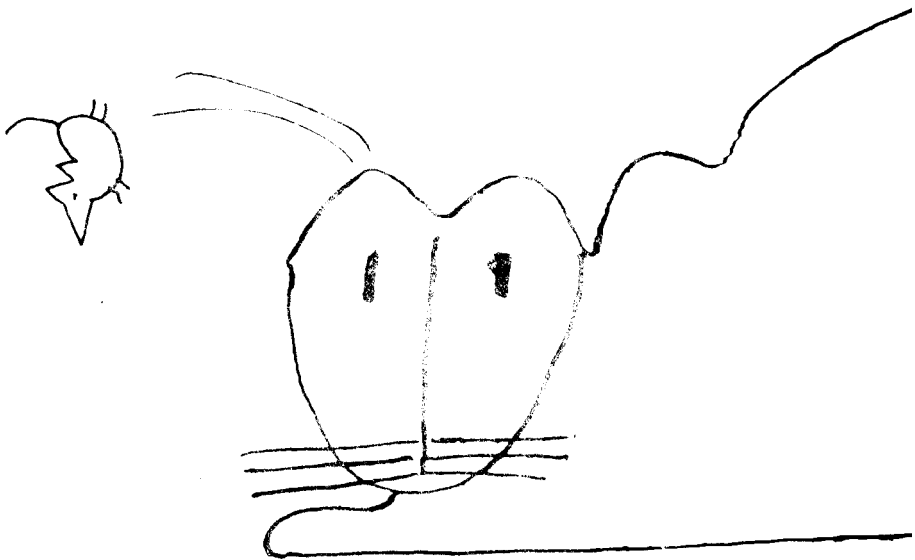
یکه موشی وزیر لشکر بود
گفت باید یکی ز ما برود
یا بیا پای تخت در خدمت



موشکی بود ایلچی ز قدیم شد روانه بشهر کرمانا



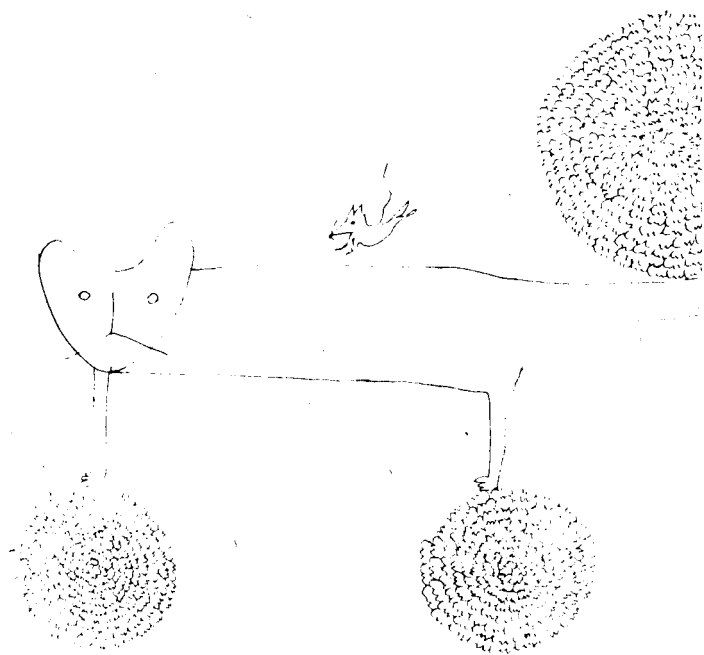
نرم نرمك بگريه حالى كرد . كه منم ايلچى ز شاهان



عزم جنگ کرده شاه موشانا
یا که آماده باش جنگانا
من نیایم بسرون ز کرمانا

خبر آورده ام برای شما
یا برو پای تخت در خدمت
کربه گفتا که موش که خورده

۸۹

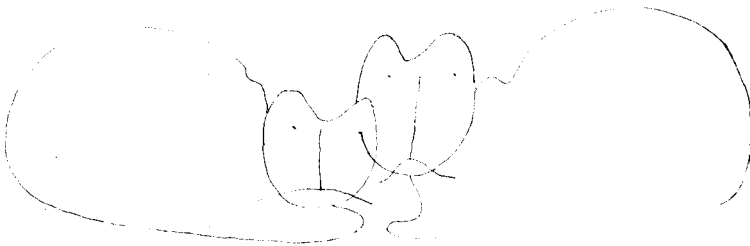


لیکن اندر خفا تدارك کرد لشکر معظمی ز گربانا

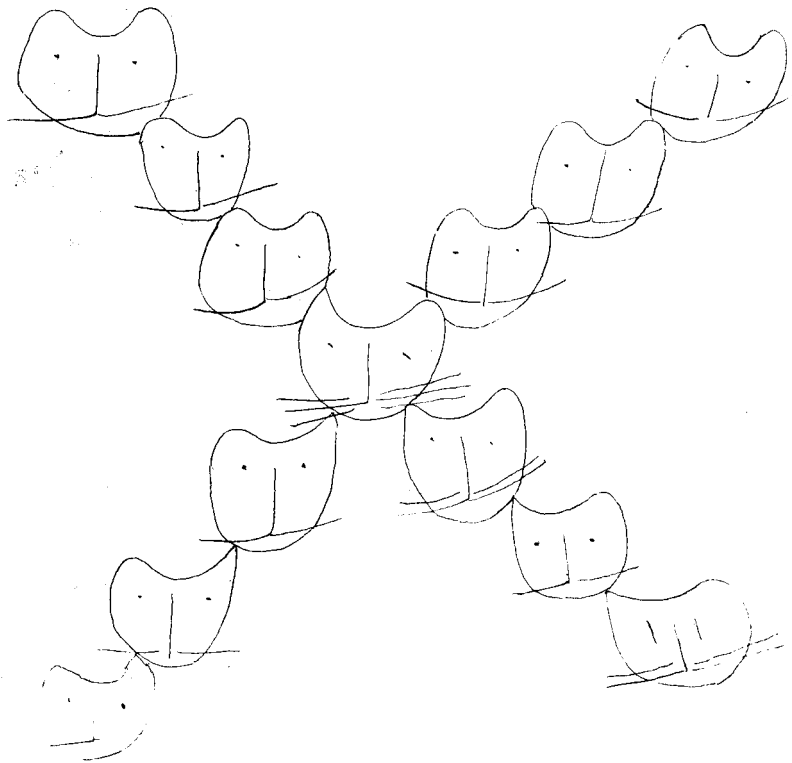


کر به های یسراق شیر شکار از صفاهان و یزد و کرمان

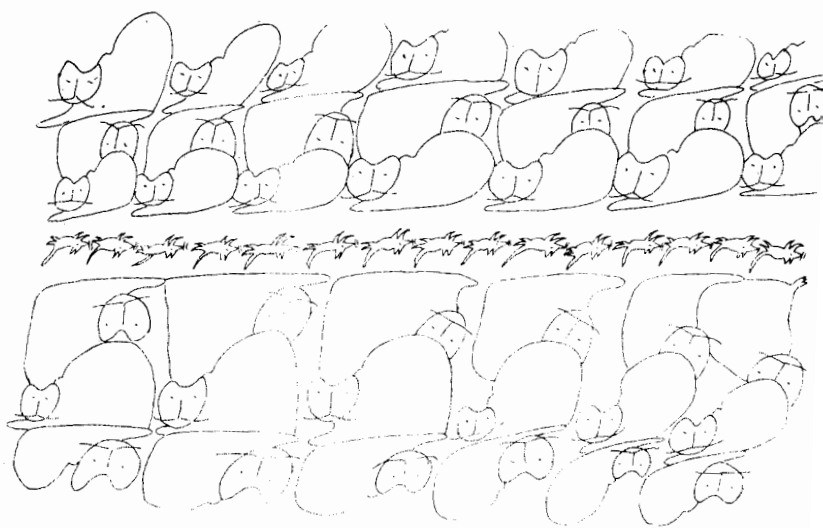
92



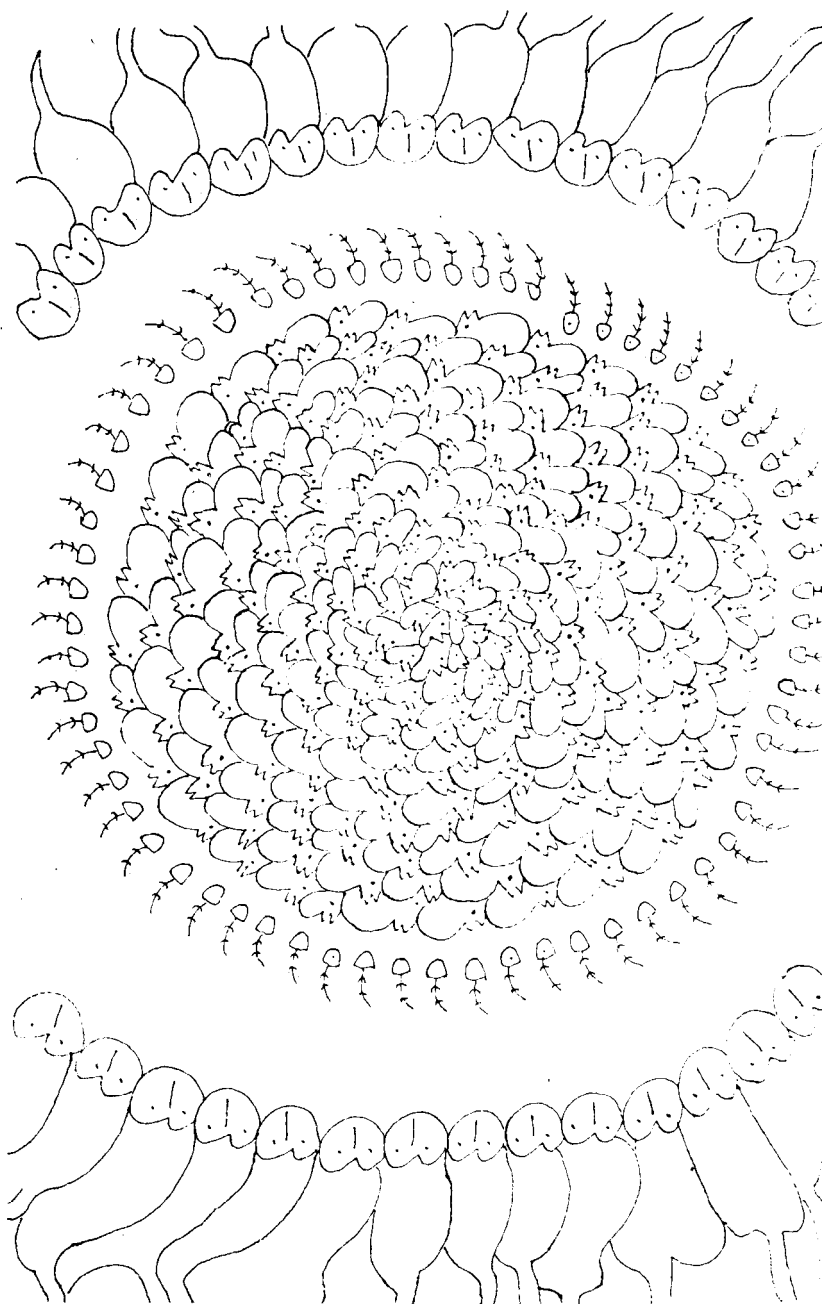
لشکر گربه چون مهیا شد داد فرمان بسوی میدانان



لشکر، موشها ز راه کویسر لشکر، گریه از کهستانا

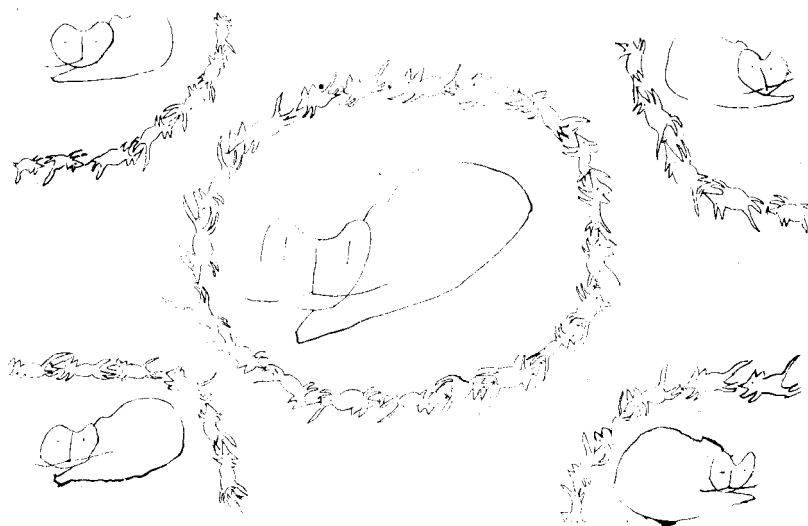


دربیا بانِ فارس هر دو سپاه رزم دادند چون دلیرانا

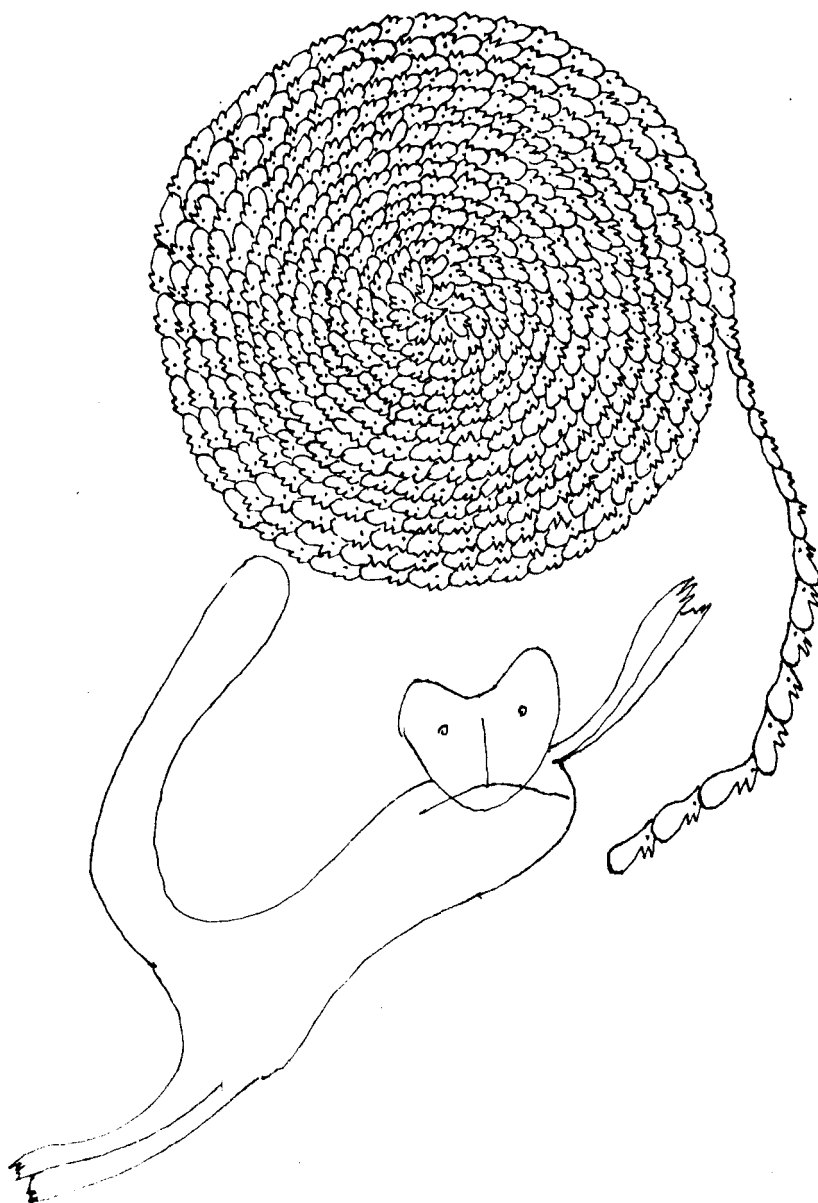


هر طرف رستمانه جنگانا
که نیاید حساب آسانا

جنگ مغلوبه شد در آنوادی
آنقدر موش و گربه کشته شدند

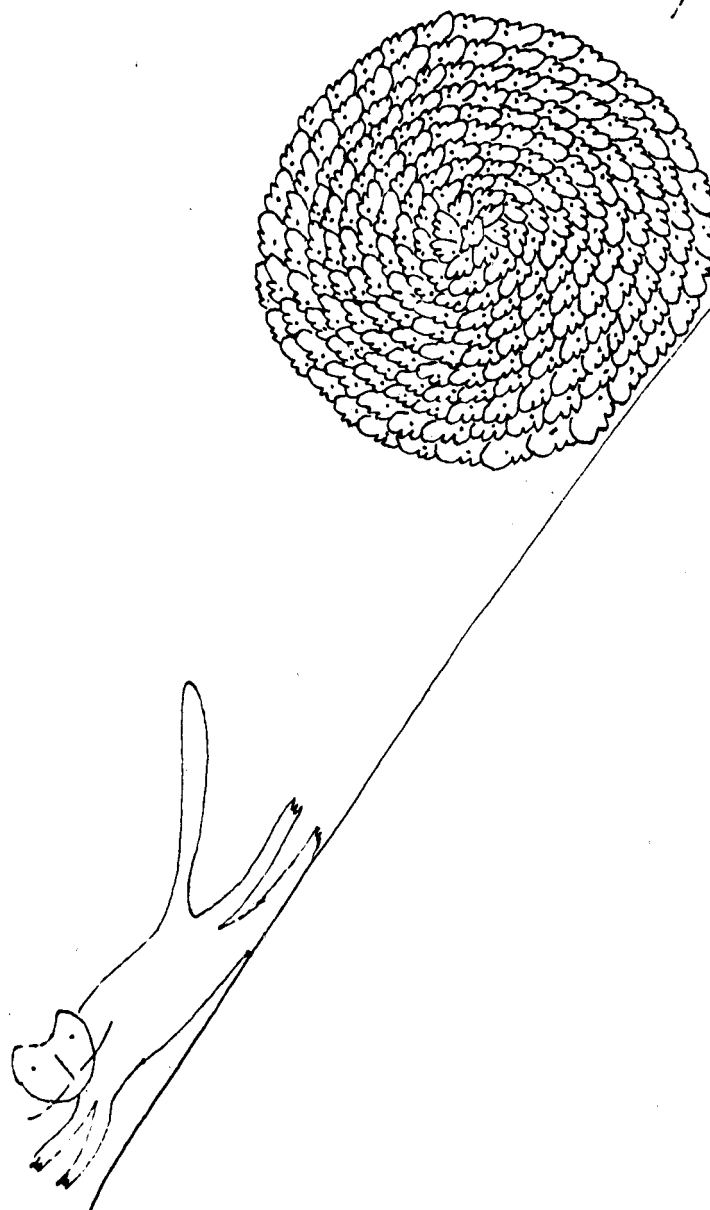


حمله سخت کرد گریه چوشیر بعد از آن زد بقلب موشانا

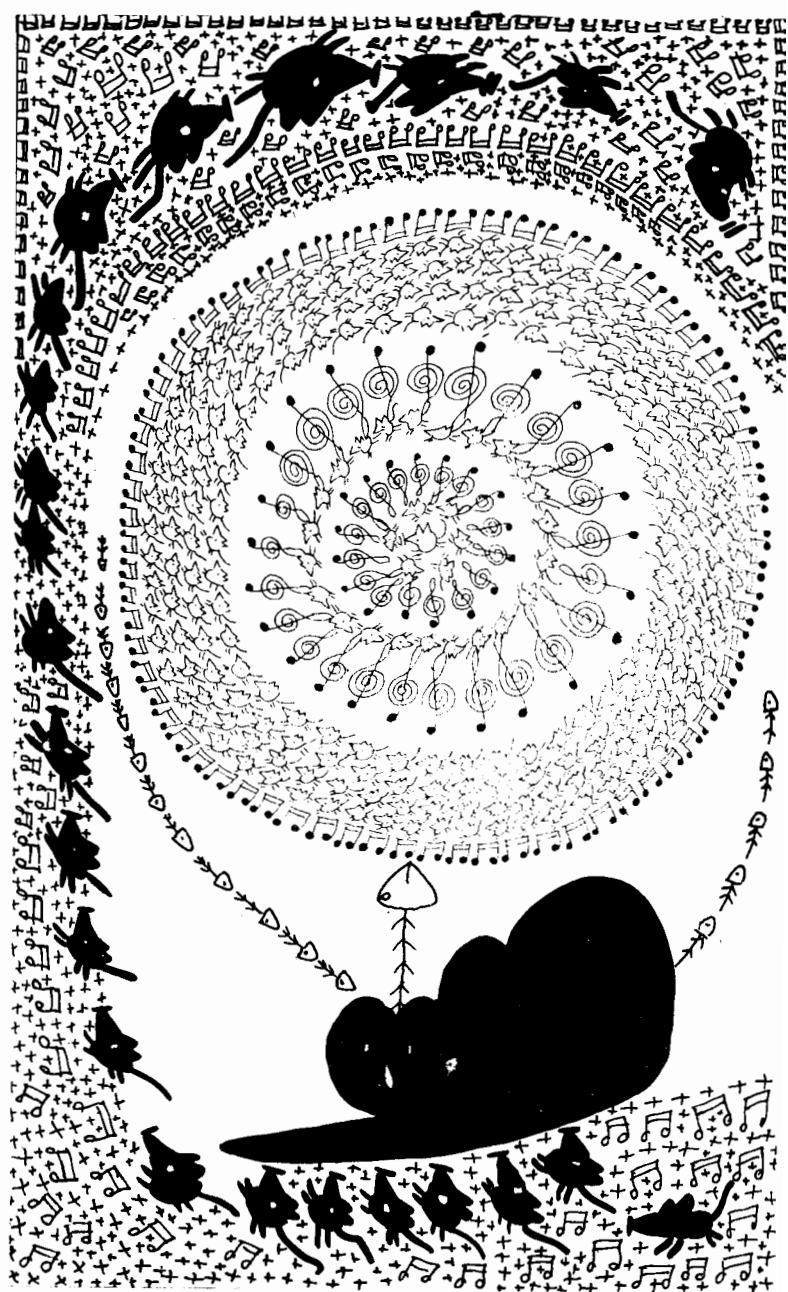


گربه شد سرنگون ز زینانا
که بگیرد پهلوانانا

موشکی اسب گربه را پی کرده
الله الله قتاد در موشان



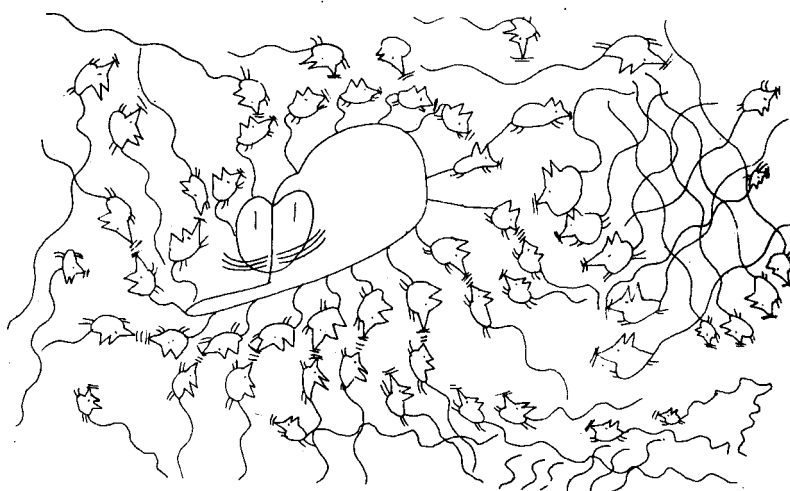
موشکان طیل شادیانه زدند بهر فتح و ظفر فراوانا



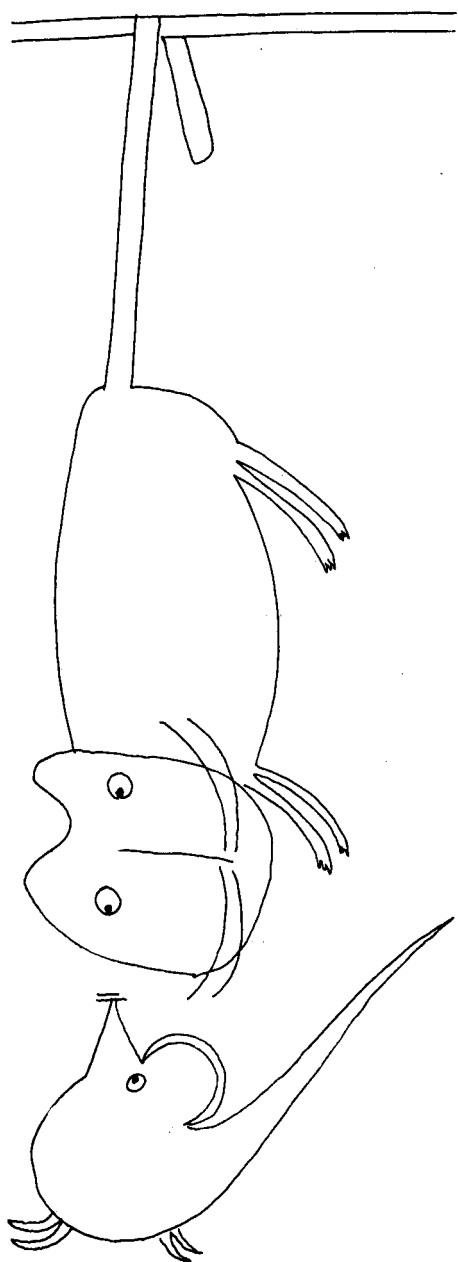
لشکر از پیش و پس خروشان
با کلاف و طناب و ریسمانا

شاه موشان بشد بفیل سوار
گر به راهرد دست بسته بهم

1.9

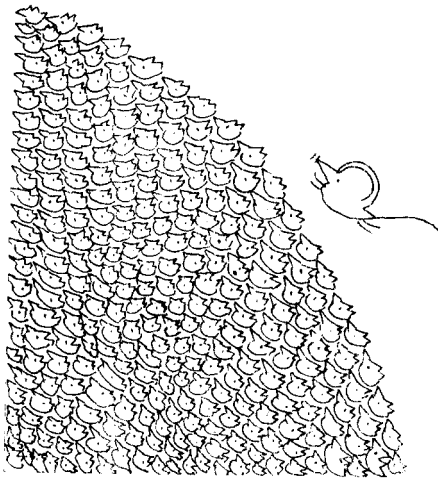
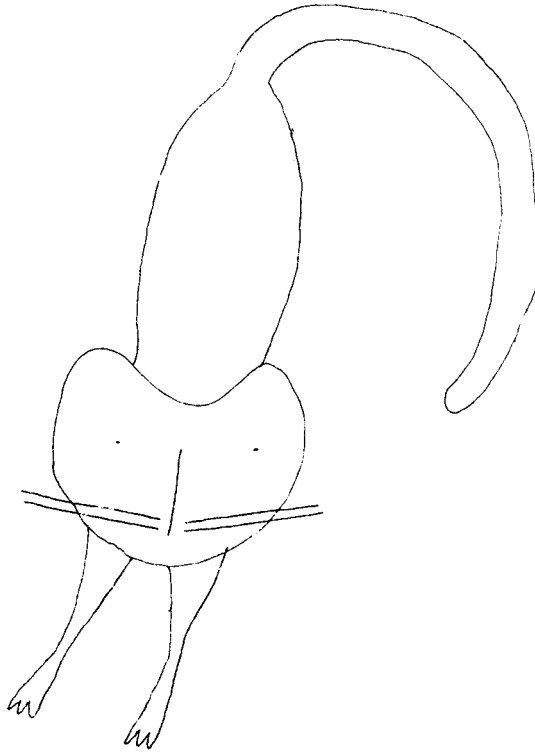


شاه گفتا بدار آویزند این سگ روسیاه نادانا



کربه چون دید شاه موشانرا
همچو شیری نشست برزانو

غیرتش شد چو دیگ جوشانا
کند آن ریسمان بدن دانا

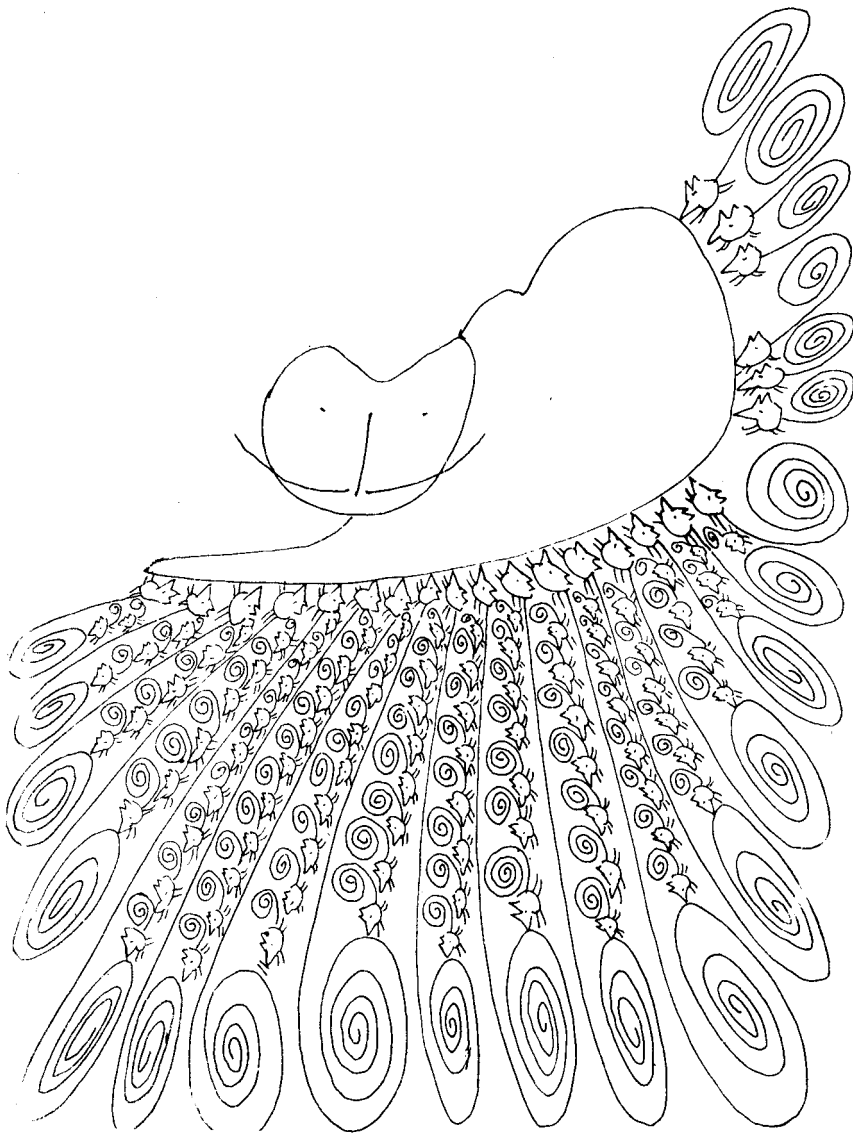


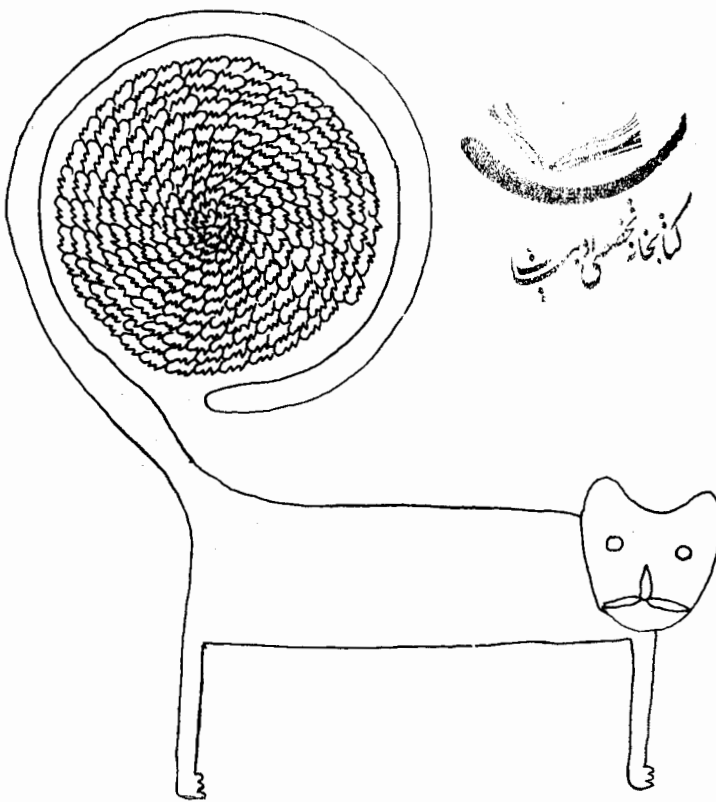
موشکانرا گرفت وزد بزمین که شدند بخاک یکسانا



لشکر از یکطرف فراری شد
 از میان رفت فیل و فیل سوار
 هست این قصهٔ عجیب و غریب

شاه از يك جهت گریزانا
 مخزن و تاج و تخت و ایوانا
 یادگار عبید زاکانا





که شوی در زمانه شادانا
مدعا فهم کن پسر جانا

جان من پند گیر از این قصه
غرض از موش و کربه بر خواندن

«کتاب نمونه» منتشر کرده است:

- ۱- طنزآوران امروز ایران: بیژن اسدی پور - عمران صلاحی
- ۲- کاریکلماتور: پرویز شاهپور
- ۳- کلاغها، مروسکها، آدمها: داریوش مهیار (نایاب)
- ۴- بازی: اصغر الهی (نایاب)
- ۵- آن سوی چشم انداز: کاظم - سادات اشکوری
- ۶- فصلی برای تو: جواد مجابی
- ۷- یک ساعت از ۲۴ ساعت: کاظم - سادات اشکوری
- ۸- آئینه در باد: جلال سرفراز
- ۹- بازی: ساموئل بکت - دکتر منوچهر لمعه
- ۱۰- ویژه نامه اردشیر محمص
- ۱۱- دماغ: اکوتاگاوا - احمد شاملو
- ۱۲- دختر دم بخت: اوژن یونسکو - دکتر محمد تقی غهائی
- ۱۳- دست به دست: ویکتور آلبا - احمد شاملو (نایاب)
- ۱۴- من و ابوب و غروب: جواد مجابی
- ۱۵- مردی در قفس: فریدون تنکابنی

- ۱۶- شباهتهای ناگزیر در کار طراحان بزرگ دنیا
- ۱۷- عقرب: رضا دانشور (نایاب)
- ۱۸- ابردلباخته: ناظم حکمت - غلامحسین فرنود ، علی کاتبی
- ۱۹- ضرورت اصلاحات ارضی و اجتماعی در جهان سوم: اسکندرف ح. ا. پیرانفر (نایاب)
- ۲۰- سیاست هنر سیاست شعر: خسرو گلسترخی (نایاب)
- ۲۱- گلدان : بهمن فرسی
- ۲۲- جای پای اسکندر: اسلام کاظمیه
- ۲۳- شعروسیاست: ناصرپورقمی
- ۲۴- الماسانه‌های کوچک چینی: برگردان احمد شاملو
- ۲۵- انحصارات صنعتی وبانکی: ب. کیوان
- ۲۶- شانزده مقاله وداستان : احمدرنجبر - خسروشاهی
- ۲۷- ایزنشتاین ومایاکوفسکی در جستجوی سبکی توده گیر: یوری داویدف - ح. ا. پیرانفر
- ۲۸- ادبیات کردکان از دیدگاهی نو : ماکسیم گورکی
- ۲۹- در شناخت ادبیات و اجتماع : بهروز تبریزی
- ۳۰- درها ، و ... دیوار بزرگ چین : احمد شاملو
- ۳۱- الفبای علم اقتصاد : ب . کیوان
- ۳۲- سرمایه‌داری چیست ؟ موریس داب ... - فرهاد نعمانی
- ۳۳- اندیشه‌ها ۲ : فریدون تنکابنی
- ☐ کتاب نمونه شماره ۱ زهرنظر عاطفه کرگین
- ☐ پژواك شماره ۲ « جواد پارسای



۵۵ ریال



پرویز خاوری
کار : مژده اندی پور

کتاب نمونه ● سی و هفت

